

## «هفته وحدت»

### تلاشی مذبوحانه، شکستی مفتضحانه

دوجنبه سیاست داخلی و خارجی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.  
۱- زمینه های خارجی برگزاری «هفته وحدت»: انزوای سیاسی رژیم در سطح جهان که بخصوص با موج دستگیریها و بقیه در صفحه ۸

«هفته» وحدت علیرغم بوق و کرنا های فراوانی که رژیم بکار گرفت از سوی مردم با سکوت کامل مواجه گشت و با شکستی مفتضحانه به پایان رسید. میتوان علل برگزاری اهداف رژیم از اعلام «هفته» وحدت و همچنین نتایج آنرا از



مقاله

### بیراهمون شعاره:

### «سرنگون باد رژیم جمهوری

### اسلامی، بقرار باد

### جمهوری دمکراتیک خلق؟

پس از برگزاری نخستین کنفره سازمان و ممویات کنفره پیرامون مرحله انقلاب، روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک توده ای ایران و سوبیژه ارزیابی وضعیت کنونی و وظائف ما، شمار سرنگون با رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق، بعنوان یکی از شمارهای اصلی مادر - نشریه کا مطرح شد. ضروری بود که در اولین فرصت مقاله ای نیز پیرامون این شمار نوشته شود که در آن ضرورت طرح این شمار و نیز معنای و مضمون جمهوری دمکراتیک توضیح داده شود. از این رودر این شماره کار، این مسئله را مورد بررسی قرار میدهم.

در تاریخ ۳ تیرماه مقاله ای تحت عنوان «حول شمار «مرگ برحزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی»» پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان بقیه در صفحه ۲

## سرانجام خمینی به جنایات خود و در خیمه اش اعتراف کرد

جلادانش را امیر از هرگونه جنایتی میدانست با لایحه پس از ۶ ماه خونریزی و پس از آنکه بیش از ۴۰ هزارتن از بهترین فرزندان خلق پس از شکنجه های وحیانه بطور دسته - بقیه در صفحه ۱۵

خمینی که تا چندی پیش همواره کشتار انقلابیون در ایران را وقیحانه تکذیب میکرد و اعلام زنانه حایل و بیجوانان کم سن و سال را شایعه «فدا انقلابی» میخواند و با وقاحتی وصف ناپذیر رژیم و کلیه

## نامه گروهی از خانواده های زندانیان سیاسی تبریز خطاب به خلقهای قهرمان ایران

رو نوشت به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
رو نوشت به سازمان مجاهدین خلق ایران  
امید خلقهای زحمتکش ایران به پاس -  
میدل گشت با این بار خون آشانان جمهوری اسلامی بنام «اسلام» دست به جنایتهای پس هولناکتر رژیم خاشن گذشته زدند و به شرمانه این خوش خدمتی با مهربا لیسیم را جز اعمال فدا مهربا لیسیتی خود قلمداد مینمایند. بقیه در صفحه ۱۹

خلق مبارز ایران!  
ما هم چون سایر هموطنان مبارز پس از سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه خاشن بر این فکر بودیم که دیگر بساط ظلم و شکنجه زندان و اعدام که مختص رژیمهای و بسته ستمگرنان از موطن ما برجسته شده خواهد شد. متاسفانه دبیری شما نبود که تمامی

## اطلاعیه امور مالی سازمان

صفحه ۱۲

## اقدامات جدید وزارت کار

### گامی در جهت نابودی کامل شوراهای ضرورت مقابله با آن

خدماتی تا اطلاع ثانوی متوقف شد.  
روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی در این رابطه اعلام کرد: «نظریه اینکه مطابق

در تاریخ چهارم دیماه احدتو کلی از طرف وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی اعلام نمود که «تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی،

## اعدام جنایتکارانه شکرا الهی کنزاد

در صفحه ۱۳

## بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گوامی باد (۲)

در صفحه ۵



# پیرامون شعار

بقیه از صفحه ۱

متحدشوم" در نشریه کار منتشر شد. از آن پس این شعار بعنوان یک شعار تبلیغی سازمان درآمد. ما در آن مقاله با توجه به شرایطی که در آن رخ داده بود پیش آمده بود نوشتیم: "کنون شرایط نوین، شعارهای نوین، تاکتیکهای نوین و وظایف نوین را می طلبد. شرایط فراهم شده است که ما میتوانیم و باید بطرح شعارهای شیروانیم که مستقیما "حاکمیت راجع علامت ستوال" قرار دهد. اما این شعار را باید گونه ای انتخاب کرده که منطبق با مرحله کنونی جنبش بوده باشد. موقعیت هیئت حاکمه، ذهنیت توده ها، هدف بنسبی و توازن نیروهای طبقاتی باشد. بنابراین این هنوز نمیتوان مستقیما "از توده ها سرنگونی قهرآمیز حاکمیت را طلب کرد. بلکه باید از ضعف ترین و آسیب پذیرترین حلقه آن آغاز نمود. این ضعف ترین حلقه... حزب جمهوری اسلامی است" ما همچنین در آن مقاله دلایل خود را مبنی بر اینکه چرا این شعار در همان حال بمعنای نفی کل حاکمیت نیز می باشد، مطرح کردیم و به منظور فلج کردن افشای لیبرالها که در جهت فریب توده ها و انحراف مبارزه آنها بطرح شعار رفراندوم پرداخته بودند، شعار مجلس مؤسسان را طرح کردیم و نوشتیم "با طرح این شعار عملا موجودیت رژیم راجع علامت ستوال می بریم، در حالیکه هنوز با توجه به مرحله تکاملی جنبش توده - ای شعار سرنگونی قهرآمیز ستوال را مطرح نکرده ایم. ما با اتخاذ این تاکتیک همچنین قادر خواهیم بود، عملا "لیبرالها را خلق سلاح کنیم" و تشکیل شوراها و تبلیغ توده ای را نیز تضمین مجلس مؤسسان قلمداد کردیم.

این شعار بعنوان یک شعار تبلیغی - تاکتیکی، بعنوان یک شعار بسیج کننده، در آن مرحله از تکامل عینی و ذهنی جنبش، شعاری کاملاً متناسب و موفق بود که از ارزیابی واقعیتی وضعیت عینی موجود ناشی می شود و یک گام توده ها را به جلو سوق میدهد. امروز دیگر پس از گذشت بیش از یک ماه از طرح این شعار و تغییراتی که طی این مدت صورت گرفته است، شعاری کهنه شده است. طی این مدت بسیاری چیزها تغییر کرده است در کمری میان لیبرالها و حزب - جمهوری اسلامی در حاکمیت که بنیاد است خود رسیده بود، با گرد قاطعی لیبرالها از حاکمیت، وارد مرحله تازه ای شده است. توهمات توده ها نسبت به بنی صدفرو - ریخته است و کذب تمام ادعاها و شعارهای دروغین او عیان شده است. توده های شوراها و رما هدی خلق تا حدی عواقب و نتایج اتحاد ما هدی و لیبرالها را در تجربه درک کرده اند. حزب جمهوری اسلامی تمام قدرت را قبضه کرده است. سیاستهای ارتجاعی رژیم، سرکوب عنان گسیخته و خامت روز افزون شرایط زندگی توده ها... همه توهمات و پندارهای توده ها را نسبت به حکومت درهم کوفته است. نفرت عمومی از رژیم حاکم به نهایت خود رسیده است. در چنین شرایطی با توجه به چشم انداز تحول اوضاع که در و خامت وضعیت

اقتصادی جامعه، تشدید بحران سیاسی، احیاء مجدد جنبش توده ای و احتمال وقوع یک قیام مجدد خلاصه میشود ضرورت طرح شعارهای انقلابی بلافاصله که نه از بهلنگو بلکه مستقیما "سرنگونی رژیم جمهوری - اسلامی را طرح کند، ضروری مینماید. البته از مدتی پیش ضرورت طرح مستقیم شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بجای حزب جمهوری اسلامی مطرح بود و ما در اعلامیه ها و تراکت های خود بطرح شعار مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی پرداختیم. اما تغییر شعار مرگ بر حزب جمهوری... علیرغم اینکه دیگر یک شعار زنگنه شده بود. تا برگزاری کنگره به تعویق افتاد. زیرا حتی تغییر جز اول این شعار یعنی قرار دادن رژیم جمهوری اسلامی بجای حزب جمهوری اسلامی کافی نبود یعنی مستقیم "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" مستقیما "سرنگونی آلترنا شویما یعنی جمهوری دمکراتیک خلق باشد. بنابراین می بایستی همراه با طرح شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان یک شعار تبلیغی در دستور کار قرار میگرفت اما طرح این شعار پیش از برگزاری کنگره و تعیین مرحله انقلاب، روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب و نیز ارزیابی وضعیت کنونی، نمیتوانست آنها را و اشکالات متعددی را پدید آورد. از جمله این مسئله که جمهوری دمکراتیک خلق یعنی چه؟ زیرا در سطح جنبش شعار و برداشتهای مختلفی در مورد آن وجود دارد. بنا بر این به دلایل ذکر شده تغییر شعار را برگزاری کنگره به تعویق افتاد. اکنون از یک سو با مصوبات کنگره معنا و مضمون جمهوری دمکراتیک خلق روشن است و از سوی دیگر مضمون کنگره پیرامون ارزیابی وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکهای ما این امر را در دستور کار داده است که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را طرح و در برابر آن شعار جمهوری - دمکراتیک خلق را مطرح کنیم. البته - با دید نظر داشت که جایگزین شدن این شعار بجای شعار "مرگ بر حزب جمهوری..." به معنای نفی شعار مجلس مؤسسان و شوراها نیست. مجلس مؤسسان میتواند در جای خود همچنان یکی از شعارهای ما باشد. دلایل این امر نیز تا کنون مکتور توضیح داده شده است. مجلس مؤسسان گرچه یک نهاد بورژوازیست و دیگر از نظر تاریخی کهنه شده است، اما در شرایط مشخصی جامعه ما با توجه به میزان اشکال و آگاهانی توده ها بطور عمده و طبقه کارگر بطور خاص میتواند ایستادگی و تبلیغ توده ای و شوراها یک شعار بسیج کننده باشد. در خدمت امر تشکیل توده ها قرار بگیرد. شعار مجلس مؤسسان را ما بعداً "در شکل مناسبی طرح خواهیم کرد. بهر حال اکنون نه تنها شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی طرح شده است، و ما از توده ها سرنگونی این رژیم را طلب میکنیم، بلکه شعار جمهوری - دمکراتیک خلق نیز از سوی سازمان طرح شده است. بنا بر این لازمست که هر چند مختصر پیرامون معنا و مضمون جمهوری دمکراتیک خلق نیز صحبت شود. در قلمنا مه ای که از سوی کنگره پیرامون روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک توده ای به تصویب رسید جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و

زحمتگان شهروستا که مبنی بر شوراها ی مسلح کارگران، دهقانان... و با دیگر تشکلهای انقلابی توده ایست، تعریف شده است. این فرمول بندی از یک مضمون دولت و از سوی دیگر شکل آنرا تعیین میکند فرمول بندی برای امر دلالت دارد که در جمهوری دمکراتیک خلق، دمکراتیک توری کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی - شهری یعنی دمکراتیک توری دمکراتیک توده ای اعمال میشود. این در واقع اعمال - دمکراتیک توری از سوی خلق یعنی از سوی کارگران و خرده بورژوازی شهروستا تحت رهبری طبقه کارگر علیه دشمنان خلق یعنی امپریالیسم، سرمایه داران - وابسته و همه مرتجعین و دمکراسی برای خلق معنی میدهد. دمکراتیک توری دمکراتیک توده ای در همان حال بنیادگر و مرحله انقلاب و وظایف انقلاب در مرحله کنونی است. مضمون طبقه ای جمهوری دمکراتیک خلق نشان میدهد که در جامعه ایران در مرحله کنونی انقلاب، نه دمکراتیک توری یک طبقه یعنی پرولتاریا، بلکه - دمکراتیک توری کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری اعمال خواهد شد. درست است که دمکراتیک توری دمکراتیک انقلابی کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری در مقوله دمکراتیک توری پرولتاریا قرار دارد اما انقلاب دمکراتیک ایران نیز در مرحله انقلابات پرولتاریست اما این هنوز به معنای دمکراتیک توری پرولتاریا به معنای اخس کلمه نیست. همان اتحاد کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری نشان میدهد که انقلاب ایران نه یک انقلاب سوسیالیستی بلکه یک انقلابی دمکراتیک توده ای محسوب میشود.

درست است که پس از تحولات فرمیستی دهه چهل، شیوه تولید سرمایه داری به عنوان شیوه مسلط تولید درآمد و مناسبات تولید سرمایه داری بمنسوان مناسبات مسلط عمل میکنند و طبقات - اقلی جامعه بورژوازی و پرولتاریا است اما ویژگی جامعه ایران در آنست که تسلط مناسبات سرمایه داری در ایران همراه با رشد همه جانبه نیروهای مولد نبوده است. نیروهای مولد در سطح نا زلی از نوستا، بخش قاطعی از جمعیت ایران را تشکیل میدهد. طبقه کارگر از تشکیل آگاهی بسیار نا زلی برخوردار است. جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری - وابسته، تحت سلطه امپریالیسم محسوب میگردد، رو بنای سیاسی سرمایه داری - وابسته، بشکل دمکراتیک توری عریان، مسئله آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک را بصورت یک خواست مبرم عموم خلق در آورده است و... از اینرو انقلاب ایران در وهله نخست میبایستی بر انداختن سلطه امپریالیسم و کسب استقلال ملی، رشد نیروهای مولد، دمکراتیک تیز کردن جامعه و تامین آزادیهای سیاسی را که پرولتاریا برای تشکیل و آگاهی خود پیش از همه بدان نیاز دارد، هدف خود قرار دهد. نه تنها مانع طبقه کارگر، بلکه مانع دهقانان و خرده بورژوازی شهری نیز در تحقق این اهداف نهفته است. از این رو پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب و به منظور

بقیه در صفحه ۱۳

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### استثمار شدت می یابد

بحران روز به روز شدیدتر میشود، سرما به داران ورزیم حامی شان می آید. دارن دبا بربحران هرچه بیشتر بردوش - کارگران و زحمتکشان بیایند ازند. اخراج کارگران تحت عنوان مازاد شدت میگیرد. در مقابل گرانی کمرشکن از آغاف شدن حقوق غبری نیست، بیایند شدن طرح طبقه بندی مدام به تعویق می افتد، مزایا به بهانه های مختلف قطع میشود، گذشته از حق مسکن و خواروبار و حق فنی، حق اولاد نیز به دو فرزند تقلیل می یابد، و بالاخره حتی از غذای روزانه کارگران نیز نمی گذرند. کمبود گرانی مواد غذایی باعث شده که سرما به داران را لوصفت برای جلوگیری از کاهش سودش را نشان به غذای کارگران هم دستبرد بزنند.

اخیرا در اکثر کارخانجات اگر غذا قطع نشده باشد از کیفیت بسیار پایینی برخوردار شده است. غالباً گوشت و برنج از غذاها حذف میشود و بجای آن حبوبات و تخم مرغ و حتی نان و پنیر میدهد. کارگری که ۹ ساعت کار میکند انرژی از دست رفته را با پدیا موادی که ارزش غذایی چندانی ندارند تا مین نماید. از آنجا که حقوق کارگران نیز کفاف تا مین غذای کافی در بیرون از کارخانه را نمیدهد، در نتیجه این امر بمقتضی شدت بیخاری و از کار افتادگی سر بیشتر آنان میگردد.

مزدوران سرما به در مقابل اعتراضات کارگران ضمن عقب نشینی در مقابل آنان با استفاده از عدم تشکل و آگاهی نداشتن بکارگیری حیلله های جدید سعی میکنند با حداقل ضرر مسئله را حل کنند. در پاسخ به اعتراضات کارگران راههای مختلفی از جانب مدیران ارائه شده است که همه در نهایت به نفع سرما به داران است. برخی از کارخانجات مدیران پیشنهاد کرده اند که کارگران تا ساعت ۲ کار کنند و تنها نشان را در منزل بخورند و با زای ساعات باقی مانده نیز به جنبه ها کنار کنند. در مواردی این عمل با پرداخت مبلغی بعنوان حق نهار همراه است که این مبلغ در رابطه با میزان اتصاف و سابقه میزانی کارگران متفاوت است و تاکنون بین ۱۰ تا ۲۰ تومان در روز - نوبان داشته است. اما مسلم است که از بهائش واقعی که باید برای نهار کارگران پرداخته شود بسیار کمتر است چون در غیر این صورت غذای آنان قطع نمیشد. نمونه زیر یکی از این موارد است:

#### ایران کسلاوه

روزی شنبه ۱۰/۸/۱۰ عده ای از کارگران ایران کاوه در اعتراض به زیا شدن ساعات کار و نبود غذای گرم ساعت ۱۰ صبح دست از کار کشیده و به دفتر کارگزی بنی مراجعه نمودند. مسئول کارگزی بنی که نتوانسته بود کارگران را قانع و متفرق نماید از دبیر شوروا کمک خواست. دبیر شوروا پس از مقدمه چینی در مورد آغاف شدن ساعات کار گفت: روزی ۲۰ تومان حق نهار در نظر گرفته شده که شما خودتان غذا تهیه کنید و اگر بخواهید ۲۰ تومان هم به آن آغافه می کنیم. کارگران که میدانستند تهیه مواد غذایی با این مبلغ برایشان امکان پذیر نیست این پیشنهاد را نپذیرفتند.

### چشم گاوگری



نهایتاً با دخالت جاسوسان اینجمن اسلامی که برای شناسایی کارگران آمده بودند، آنان بدون گرفتن نتیجه پراکنده شدند.

#### مبارزات کارگران خانه سازی تبریز - ادامه دارد

عوامل رژیم جمهوری اسلامی پس از شکست در مقابل خصم شکوهمند کارگران خانه سازی تبریز تصمیم به تعطیل کارخانه می گیرند تا خود را از شر مبارزات آنها برهانند.

این کارخانه تولیدکننده خانه های پیش ساخته است و در مقطع قبلا حدود ۱۰۰۰ کارگر در آن مشغول بکار بودند. کارگران مبارزخانه سازی، فعلا لانه در قیام شرکت نموده و پس از آن نیز مبارزاتی را برای حفظ دستاوردها، و تحقق خواسته های شان داشته اند. یکسال بعد از قیام همزمان با ملی شدن این کارخانه رژیم جمهوری اسلامی حمایت از سرما به داران را با اخراج حدود ۴۰۰ تن از کارگران نشان داد. پس از اخراج این عده بیورش به دستمزدها برین نیز آغاز شد. در شرایطی که حقوق کامل یکماه هم کفاف زندگی کارگران را نمیداد، اکثر اوقات نصف یا بخشی از حقوق آنان پرداخت نمیشد. کارگران - با رها به مقامات دولتی مراجعه کردند و از آنها خواستند که به مشکلاتشان رسیدگی نمایند. اما پاسخ همه یکسان بود "از دست ما کاری ساخته نیست" زحمتکشان خانه سازی به مرور به ماهیت "پالائی ها" پی می برند و هر چه میدانند به "بالا" از پس میرفت نیاز به اتحاد و حرکت جمعی بیشتر خود را نشان میداد. بالاخره کارگران این کارخانه برای دریافت چهار ماه حقوق عقب افتاده شان دست به تجمن زدند. به دنبال این تجمن رئیس اداره کار که تیا قبل از این کاری از دستش ساخته نبود سر به در جمع کار کارگران حاضر میشود. او عاجزانه از آنها میخواهد که در مورد تجمن با هیچکس صحبتی نکنند. سپس قول داد که بخواسته هایشان رسیدگی کند و از آنها خواست که دست از تجمن بردارند. اما کارگران که عده و عید زیا داشته بودند تسلیم او نشدند و اعلام نمودند که تسلیم حقوقشان را نمیکنند از آنجا نخواهند رفت. بالاخره مقامات و ایستادگی آنان مسئولین را به عقب نشینی واداشت. آنها یکماه حقوق کارگران را پرداخته و قول میدهند بقیه را نیز در اولین فرصت - پرداخت کنند. کارگران مبارزخانه سازی پس از دریافت یک ماه حقوق، به روز مندا نه

معیط کارخانه را ترک نمودند. چیزی که بیش از یکماه حقوق خوشحالشان میکرد، طعم شیرین پیروزی حاصل از اتحادشان بود.

رژیم بحران زده و عامی از مبارزات کارگران، یکماه پس از این مبارزات تصمیم به تعطیل کارخانه میگیرد. بگروز که کارگران به کارخانه می آیند درهای بسته رو برو میشوند و از پشت میله های کارخانه به آنها میگویند که یکماه بعد مراجعه نمایند. اما آنان خشمگین از این عمل سرما به داران حاضر به ترک محل نمیشوند. عده ای کنار خیابان تجمع نموده و برای عابریین توضیح میدادند، عده ای نیز با آتش زدن لاستیک و شمار - دادن اعتراضات را به این عمل محدود

انسانی اعلام میداشتند. پس از مدتی همگی تصمیم گرفتند که قفل دروازه ها را بشکنند و کارخانه شوند. اما به در ورودی که رسیدند با اسلحه های آماده با سداران سرمایه روبرو شدند. با سداران گلنگدن کشیده و آنان را تهدید میکنند. کارگران خشمگین از تنهایی و خالی بودن دستشان بصدای یکنواختی میدادند. یکی از آنان هر حالیکه به سمت در کارخانه میرفت فریاد میزد: "ما را بکشید، مردن بهتر از این زندگی است. مرتب بر تعداد ما سداران افزوده میشوند نهایتاً ما مغازه - کارگران و دستگیری ۶ تن آنان را متفرق نمودند.

بدینصورت در شرایطی که کمبود مسکن درجا مع پیدا میکنند، این کارخانه تعطیل میشود زیرا برای رژیم صدا نقلی جاگم با پاسخگویی به خواسته های برخی کارگران ادامه کار کارخانه، سودگانی نخواهد داشت. مبارزات کارگران همچنان ادامه دارد.

#### اخبار کوتاه

##### شرکت واحد (۶۰/۹/۱۰)

کارگران تعمیرگاه آذری که از اعمال فدکاری و ارتعاعی اعضا انجمن اسلامی به تنگ آمده بودند، ملابری عمرا انجمن اسلامی را به بدکتک گرفتند. با سداران برای رسیدگی به این جریان سرا سیمه به تعمیرگاه ریخته و برای یافتن محرکین به بازجویی از کارگران پرداختند. اما کارگران تعمیرگاه با اتحاد خود - پوزه آنان را به خاک مالیدند. در مقابل این شوال با سداران که پرسیده بود: "چرا کسی ملابری را کتک زده است، همه پاسخ دادند" ما زدهم چون او را قبول نداریم". در اینجا این مزدور سرمایه - عاجز از رویاروشی با عصیانیت کفایت: "ببخود نیست که ما م گفته ما نه از آمریکا می ترسیم نه از خارج و داخل و نه از مجاهدین فقط از شما کارگرا می ترسیم چون شما فکر شکم هستید".

البته کارگران تعمیرگاه آذری و سایر کارگران با بد توجه داشته باشند که شیوه های رادرمبارزه بکارگیرند که اولاً آنها دای حکومتی را زیر ضرب بگیرند و ثانیاً به تجمع و تشکل هر چه بیشتر آنان متکی باشند.

#### زنجاران

روز ۲۱/۸/ عده ای از کارگران آزا - شهر (حدود ۲۵ نفر) را برای جابجا کردن بنشینه در صفحه ۴



روستای زیاران واقع در حاده طالقان در حدود ۱۳۰۰ نفر جمعیت دارد که عده ای زمین زده بقیه خوش نشین و در شریکتهای - اطراف کار می کنند، قسمتی از زمین های آن روستا در زمان اصلاحات ارضی شامل بدست تیمار اخوان افتاد بعد از قیام همین زمینها از آن با صرمیاجی میگردد بعد از قیام با تبلیغ زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند خوش نشینهای این روستا میخواهند زمینها را صادره و کشت کنند که با ازاران منطفه از این کار جلوگیری کرده و قول میدهند که این زمینها را بعد از تحقیقات لازم بین خوش نشینها تقسیم کنند. مردم با اطمینان از سیاه بزمیگردند که بعد از یکسال خسری نمیشود، خوش نشینها زمینها را صادره و کشت میکنند که مجدداً سیاه آمده و زمینها را با زور و تهدید بین میگردور و زمینشان این روستا فکر میکردند که تا بدستهای در حاکمیت وجود دارد که نمیگذارد زمین بین آنها تقسیم شود ولی اخیراً - بخشنامه ای از طرف دولت صادر شده است که این زمینها موقوفه (مال امام رضا) است و تقسیم نمی شود هر کسی که میخواهد دستبند آنها را اجاره کند، جازای زمینکنان متوجه شده اند که دستی در دولت نبوده بلکه خط دولت همین بوده و آنها شیکه بولسدار هستند می توانند زمینها را اجاره کنند و بولدار تر شوند. ضمناً "بول اجاره با این زمینها مستقیماً" به حوزه علمیه قم -



### گزارشهای روستائی

به دنبال این عمل روستایان خوشگین - ترا پیش با داس و سیل و چوب به پاسداران حمله میکنند. درگیری حاد میشود و عده زیادی دستگیر میشوند که دو تن از آنها (هوادر ساژمان و محاهدین) اعدام میشوند. در مراسم تشییع جنازه این دو رزمنده خلق تمام اهالی با شعار - های فدویم شرکت کردند. -  
آمسال - در روستاهای آمل شروع به سرگرفتن زمینهای کرده اند که دهقانان پس از قیام خود اقدام به - مصادره شان کرده بودند. در این رابطه یکی از فسادهای زندانی را آزاد کرده املاکش را به او برگردانده اند. -  
شوش - دوفرا ز هفت نفر هشت اراضی زمین خوشتر منطفه ۶ بلیت ۱۰۵۵ پلاک زمین که هر یک پلاک ۲۰۰ متر می باشد بین دهقانان تقسیم کردند. بعد از تقسیم زمین معلوم میشود که ۴۰ پلاک از آنها قانونی و ۶۵ پلاک غیر قانونی بوده و با شکایت مالک زمین می بایست برگردانده شود. این دو بدنبال شکایت مالک زمین دستگیر میشوند ولی با قرار ۱۰۰ هزار تومان آزاد شدند و پلاک - های غیر قانونی را هر یک ۶۰۰۰ تومان فروختند که ۲۰۰۰ هزار تومان را به صندوق دولت واریز کردند و ۴۰۰۰ تومان را خودشان برداشتند که مجدداً توسط سیاه شوشت سر دستگیر میشوند.

فرستاده میشود. روستائی در نزدیکی قزوین در پی دستگیری یکی از معلمان روستائی در نزدیکی قزوین نزدیک به ۵۰۰ نفر از اهالی روستا دست به تظاهرات میزنند و خواهان آزادی وی میگردد. در مقابل ساختمان سیخ بین مردم و پاسداران درگیری رخ میدهد که رقیبی به نام نجف اخلاقی به شهادت میرسد.

### جنبش کارگری

بغیر از صفحه ۳ مهمات به آما دگاها رتش واقع در خارج شهر میزند. افسر مسئول اینکار از آنان میخواهد که برخلاف سابق که هر ۸ نفر دو تریلی با راتخلیه مینمودند، هر ۶ نفر اینکار را انجام دهند. کارگران که وضع را چنین دیدند علیرغم فروبیگاریشان حاضر به پذیرش این کار نشدند و همگی دست از کار کشیدند. افسر مزبور شروع به تهدید کرد که شما جنبشی هستید و اگر کار نکنید همه شما را تحویل سیاه میدهم. اما - کارگران یکبار رجه و مسموم کردن توجه به تهدیدهای او بیاد به طرف شهرزاده افتادند و در مسیر طولانی که میرفتند در مورد رنجهای مشترک و راه رهایی از این رنجها صحبت میکردند.

تن از کارگران با زدید عمل می آید، اما به یکی از آنان که بقول خودش حتی تولد هم نداشت وام تعلق نمیگیرد. بعد ها مشخص میشود که شخصی که از خانه او دیدن کرده از او پرسیده است تو نماز میخوانی یا نه؟ کارگر پاسخ منفی داده است. جاسوس انجمن اسلامی به او میگوید ما به کسی که نماز نمیخواند حتی بگریال هم نخواهیم داد.

تسید - دوفرا از کارگران مرد بچرم قدم زدن با زبان کارگر ۱۵۰۱ روز حقوق جریمه شدند. انجمن اسلامی تخطی اطلاعیه ای اعلام کرده است که بعد از این هر کارگری که از دستورات انجمن سرپیچی کند جریمه خواهد شد. اولین نمونه هم شامل حساب کارگرانی شد که به اطلاع ارتجاعی انجمن مبنی بر ممنوعیت هرگونه تماس زن و مرد در کارخانه توجهی نکرده بودند. این مرتجعین خشک مغز بیپوده می پندارند که با زور و جریمه میتوانند قواشین قرون وسطائی را زنده کنند.

ایران ناسیونال - در روز ۷ تا ۸ آذر ماه یکی از کارگران نصب موکت کارخانه بنام علی وظیفه دان برای اینکه آشپزخانه یک قسمت از کارخانه را موکت بکند، زمین را در سطح آشپزخانه پخش میکند. آشپزخانه ناگهان نفوز بولی را وصل میکند و آشپزخانه آن میگریه. - آشپزخیمی شده و علی وظیفه دان بکلسی مسوز دیپتوری که رتش قادر به شنا سازی اونمی شود. در مراسم هفت اودر روز ۱۳/۹/ در نهایت زهرا عده کنشری از کارگران شرکت می کنند. بگفته یکی از افراد کنش رئیس کارخانه مقدار زیادی بول به دسترس میدد که هر طور میتوانند ورا ممالحه کنند این کارگر ۲۵ با ۲۶ سال داشت و هارای ۶ بچه بود.

صبح روز چهارشنبه ۲/۱۰/۶۰ حدود ۲۵۰ نفر از کارگران بنا در وکشتیرانی بندر خرمشهر برای رسیدگی به وضعیتشان طوی وزارت کار در تهران اجتماع نمودند. این کارگران که در اثر جنگ آواره شده اند، از عواقب خاما نسوز آن برای کارگران و زمینکنان سخن می گفتند. آنان حدود هفت ماه است که هیچ مستمری از دولت "حامی مستضعفان" دریافت نکرده اند. و این در شرایطی است که روزانه هزاران دلار از دسترنج کارگران و زمینکنان صرف خرید سلاحهای امریکائی میشود. تا با آنها بر سر خودیای بران - عربشان آتش بسارند. یکی از آنان گسه پیر مرد بود میگفت: "هفت ماه است هیچ پولی نگرفته ام، گرسنگی دیگر طاقتم را به پایان رسانده، دیگر نان و غذا برای خوردن نداریم."

### لیفت تراک سازی تبریز

جاسوسان انجمن اسلامی برای اینکه از میزان نفرت و انزجار کارگران نسبت بخود بکا هند و برای رسمیت بخشیدن بخود و کسب قدرت در سطح کارخانه، کنترل برخی امور اجرایی و رفاهی را بعهده میگیرند. اما از آنجا که در این موارد حزب الهیها را در درجه اول قرار میدهند، هر چه بیشتر در نزدوده ها افتاد و طرد میشوند. چندی پیش مقداری بول از طرف بانک کارگران در اختیار انجمن اسلامی لیفت تراک سازی قرار میگرد تا بعنوان وام مسکن به کارگران داده شود. حدود ۴ نفر برای دریافت وام شیت نام می کنند که از این عده فقط به سه یا چهار نفر ۱۵۰ هزار تومان می رسد (بهر نفر) یا قیام نامه بول را برای تعمیرخانه در اختیار کارگرانی که منازلمان مخروبه است می گذارند. البته مسئولیت انتخاب افراد واجد شرایط با حزب الهی های انجمن است. در این رابطه از خانه چند -

### واش - (شهر منعی البرز)

بدنبال اقدام ۱۱ تن از انقلابیون در شهرستان قزوین و دفن اجساد آنان در یک منطقه خارج از گورستان شهر، خانواده شهدا دست به یک حرکت اعتراضی زدند که مورد حمایت توده مردم قزوین گرفت. کارگران کارخانه، و اثر نیز به منظور حمایت از آنان و ابراز انزجار از اعمال ضد خلقی حاکمیت ۱۵ دقیقه دست از کار کشیدند. آنها بدینوسیله ضمن ارج - نهادن به مسازات انقلابیون نشان دادند که تلاشهای مدیوحانه رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از همسنگی - توده ها با نیروهای انقلابی و بسترو به حاشی نخواهد رسید.

بندر خرمشهر

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

در شامه قبل به مناسبت بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا، شمه‌ای از دستاوردهای دولت انقلابی کوبا در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و ایجاد تحکیم ساختمان سوسیالیسم را با زکوة گردیم. در این شماره با آداب آموزشی این دستاوردها در رابطه با پیاده کردن بهداشت همگانی، مردمی و سوسیالیستی وهم‌چنین ایجاد و تکامل ارتش خلقی خواهیم پرداخت: برنامهمه‌پیاده کردن بهداشت سوسیالیستی در کوبا

در پی پیروزی انقلاب، از ۱۵۸۸ تن - اما تعدادی ننگه‌بازشکی، تنها ۱۷ تن - ماندند در کوبا را برگزیدند و نیز پیش از یک سوم پزشکان بهمین ترتیب از زمینه‌ها گریختند. دولت انقلابی کوبا با هشت برابر کردن بودجه خدمات درمانی، طی هشت سال اول انقلاب و با تا سیس دودمانگه‌بازشکی جدید - علاوه بر تنها دانی ننگه‌بازشکی سابق - مبارزه با این کمبود را آغاز نمود.

طی ده سال پیش از یکصد همپارتمان و درمانگاه و در روستاها احداث گردید. - تعداد بیمه‌رستانها در شهرها از ۵۷ دستگاه به ۱۷۰ دستگاه افزایش یافت. و نیز - ۲۵۰ مرکز مراقبت پزشکی در شهرها ایجاد شد. در سال ۱۹۷۶ تعداد دانشجویان پزشکی مشغول تحصیل ۵۰۰۰ نفر بود که از این عده پنجاه درصدان را دختران تشکیل

میدادند. اینان را دیگر وقت خود را با فراگیری تخصص‌های پولسا و غیر ضروری برای همگان، به هدر ندادند بلکه راه‌های مقابله با بیماری‌های خاص کشور خویش و به ویژه امراضی که در سنین زحماتشان شایع بود نظیر مالاریا، اسهال و استفراغ غمگینای کشنده، تیفوئید و فلج اطفال و... را

مبیا موختند. و شمره، این تلاشها آن بود که تعداد تقریباً نیمی از بیماری مالاریا از سالانه هزار نفر (پیش از انقلاب) به ده نفر در سال ۱۹۶۷ رسید. تعداد تقریباً نیمی از مرض تیفوئید به یک دهم کاهش یافت. در سال ۱۹۶۴، ۲/۵ میلیون کودک کمتر از ۱۴ سال علیه بیماری فلج اطفال واکسینه شدند.

اساس خدمات پزشکی در کوبا، بعد از انقلاب برپایه اصل پیشگیری به جای - مداوا "استوار است. تمامی تلاش در خدمت بالابردن سطح بهداشت بوده‌های محرومی است که پیش از انقلاب در محیط آلوده و پراز کثافات بسر میبردند. با این ترتیب هدف اصلی بهداشت در کوبا - همانگونه که با ید در یک کشور سوسیالیستی باشد -

از بسین بردن ریشه‌های بوجود آورنده - بیماری است. یکی از افتخارات دولت انقلابی کوبا در اینست که هر ساله تعداد زیادی از پزشکان خود را (که البته این پزشکان خود را و طلب هستند) در اختیار کشورهای از بسند رسته، آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نظیر آنکولا، نیکاراگوئه و... میگذارد.

ایجاد ارتش خلقی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم امریکایی

استخوان بندی نیروهای مسلح انقلابی

کوبا در "امپریالیسم" و در جریان نبرد مسلحانه علیه دیکتاتوری با تیسستاشکی گرفت. ولی ریشه‌های آن به سالها قبل از آن، یعنی بدوران جنگهای استقلال طلبانه علیه اسپانیا بر میگردد. هنگامی که با تیسستاشکی فرار کرد و انقلابیون وارد ها و آن شدند، ارتش دیکتاتوری با تیسستاشکی - نبرد با نیروهای مسلح انقلابی وتوده - های خلق نیرو و توان خود را از دست داده بود، به یکباره نا توان شد. با این ترتیب خلق کوبا ارتش خدمتگذار پیروزواری را بنا بود که در جای آن ارتشی که توانسته بود حکومت دیکتاتوری را سرنگون سازد، جانشین این ارتش گردد.

تشکیل ارتش نوین خلقی در کوبا نه تنها برای نابودی سرمایه داران وابسته و استقرار کمیته خلق و سپس استقرار سوسیالیسم ضروری بود، بلکه برای حفظ حکومت انقلابی کوبا در مقابل توطئه‌های امپریالیسم امریکایی، که در چند دهه مابین این کشور به کمین نشسته بود، حیاتی بود.

زیرا خلق کوبا هنوز از جنبش ویا یکوسی به خاطر سقوط دیکتاتوری با تیسستاشکی آراغ نشده بود که با دشمنی که به مراتب قوی تر، - مکارتر و دارای امکانات وسیع تری - از با تیسستاشکی بود و انقلاب کوبا را تهدید میکرد، روبرو شد. بنا بر این در مقابل خطر توطئه‌های امپریالیسم امریکایی نیروهای مسلح انقلابی که حکومت دیکتاتوری را سرنگون کرده بود کافی به نظر نمی رسید. لازم بود -

ارتش خلقی هم از لحاظ تعداد نیرو و پرسنل و از نظر توانائی رزمی تکامل یابد و سازماندهی از جهت کارائی و آموزش سیاسی - ایدئولوژیک بعمل آید.

در این رابطه طبیعتی بود که افسران این ارتش را چریکهای که طی ۴ سال - مبارزه مسلحانه مداوم در کوهها، روستاها و شهرها آیدیده شده بودند تشکیل دهند. اینها دسته‌های کوچک از کارگران کشاورزی و کثا ورزان، کارگران صنعتی و مسردم زحمتکش و فقیر شهری بودند که در عملیات چریکی در شهرها و روستاها و کوهها مجرب شده بودند. اینها کمائی بودند که در این مبارزه که در اشکال متنوعی انجام گرفته بود آیدیده شده بودند. آری نخستین مدارس جنگ که توسط انقلاب کوبا ایجاد شده بود،

نخستین افسران را پرورش داده بود. به خاطر ضرورت دفاع از انقلاب تنها ده ماه پس از پیروزی انقلاب، اولین - میلیشیای انقلابی ملی مرکب از صد ها هزار زن و مرد کوبائی، کارگر و دهقان و روشنفکر، در سراسر کشور بوجود آمد. اینها همگی به فراگیری فنون جنگی ویکار - بردن سلاحهای جدید پرداختند. ارتش - میلیشیای انقلابی در سراسر کشور و در هر نقطه‌ای که توده‌ها مجتمع بودند شکل

گرفت. کارگران صنعتی در کارخانه‌ها - نشان، کاردهای مسلح کارگری تشکیل دادند. در روستاها میلیشیای روستائی تشکیل شد و وظیفه آنان حفاظت از معمولات در مقابل خرابکاری فدا انقلاب و مقابله در برابر برترها جم خارجی بود.

در سواحل کوبا، در بسین ماهیگیران افراد میلیشیای وظیفه داشتند تا بقها و کشتیهای دشمن وارد یابی کنند و با هوشیاری حرکت و نقل و انتقالات دشمن را زیر نظر بگیرند. در مدارس و دانشگاهها، دانش - آموزان و دانشجویان دختر و پسر دستجات میلیشیای تشکیل داده و به فرا گرفتن کار -

برد سلاح و فنون جنگی و آمادگی رزمی پیدا کنند. با این ترتیب خلق کوبا دوران پر شکوهی را تجربه میکرد.

نتیجه اینکه وقتی حمله گسترده و برنامه ریزی شده‌ای توسط هزاران کوبائی میلیشیای رزمی در زمان حمله گسترده و برنامه ریزی شده بود با تمام تجهیزات و پشتیبانی کامل ارتش امریکایی، به علیح و خوکها آغاز گردید، خلق قهرمان کوبا و میلیشیای رزمنده آن آمادگی کامل داشت که در مقابل این تجاوزات و تهاجمات مقاومند و پیروزه متجاوزین را با خاک بمالند. این - نیروی خلقی بود که توانست فقط ظرف ۲۲ ساعت حمله برق آسا را سرکوب کرده و هزار کوبائی میلیشیای قهرمان را تمام تجهیزات و تشکیلات دستگیر و تمام مقایفها بیابان را ضبط کند.

این شکست برای ایالات متحده امریکایی درس بزرگی بود که از یک ملت کوچک ولی مضم گرفت. درس بزرگتر را بعداً - به قیمت سنگین تری از خلق دلور و پیتنام دریاقت کرد. شکست امپریالیسم امریکایی در علیح و خوکها اولین شکست امریکایی در قاره امریکای بود!

و هنگامی که امریکاییان بهران موشکی را در سال ۱۹۶۲ در کوبا بوجود آوردند نزدیک بود جهان را تا سرحد جنگ جهانی ببرد. باز عزم را برای خلق کوبا که از تهدیدات - امپریالیسم شهنشاید بود امریکایی را وادار به عقب نشینی کرد.

و چنین آمادگی رزمی و همبستگی خلقی مسلح با ارتش مردمی است که طی بیست و دو سال حیات انقلاب، دولت کوبا را قادر ساخت در مقابل تمام تهدیدات - امپریالیسم ایستادگی کرده و نه تنها از انقلاب خود حراست کند بلکه به خلفهای امریکایی لاتین چون نیکاراگوئه، -

السالوادور، کوبا، کوبا، در بدست آوردن آزادی و استقلال وزندگی بهتر کمک نماید. چنین موفقیتی است که کوبا را قادر می سازد با راز این همفرا تر نهاده و برای دفاع از انقلاب آنکولادرمقابل حمله گسترده دولت نژادپرست آفریقائی جنوبی، نیروهای خود را هزاران کیلومتر از طرف تراز مرزهای خود گسیل داد. اما آخرین حرکت توده‌ای دفاع مسلحانه در مقابل تهدیدات اخیرا امپریالیسم امریکایی به رهبری ریگان، ایجاد "نیروهای میلیشیای منطقه‌ای" است که بنا به فرا -

خوان فیدل کاسترو و حزب کمونیست کوبا بوجود آمد، پس از اعلام این فراخوان بود که ظرف چند ماه نیروی عظیمی - داد و طلب خدمت شدند. این عده که در هر لحظه تعداد آنها بیش از پانصد هزار است، در گردانها و هنگ‌های مختلف متشکسل گردیده و به آموزش رزمی می پردازند.

اما این عده تنها بخش کوچکی از وظایف هستند که به آموزش مشغولند، میلیشونها نفر دیگر در انظار فرصت هستند که بنوا نند در این بسیج عمومی شرکت کرده و آموزشهای نظامی را فراگیرند.

در باره اهمیت تشکیل "نیروهای میلیشیای منطقه‌ای" فیدل کاسترو و جنین میگوید: نیروهای میلیشیای منطقه‌ای - نیروی شرک و بی نظیری است که آمادگی رزمی نیروهای مسلح انقلابی (ارتش) و تمامی مردم را چندین برابر خواهد ساخت

بقیه در صفحه ۶

## مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش



# نیست و سومین بقیه از صفحه ۵ سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

ویژگی های نیروهای مسلح انقلابی  
(ارتش خلقی) در کوبا

بر خلاف وضعیت ارتش در دولتتهای بورژوازی، نیروهای مسلح انقلابی در کوبا، خود را در محدوده پادگانها محبوس نکرده اند. آنان حاکمتهای جدا با فته از مردم، در پشت دیوارهای بلند و سیمهای خار دار، به فراگیری فنون نظامی نمی پردازند بلکه این نیرو یعنی افسران و سربازان کوبا شی جز لاینفکی از کسب جامعه، کارگران، دهقانان و روشنفکران می باشد. این نیرو هوشمندانه و منظمی را تشکیل میدهد که حول آن میلیون ها زن و مرد کوبا شی گرد آمده اند که قادرند طلحه حمل کرده و فنون نظامی را بیگانه بر سرده و هر کجا که لازم باشد وارد عمل شوند.

ارتش کوبا با زوی نظامی طبقه کارگر کوبا بوده و در مقابل توده های زحمتکش متعهد است. از آن زمان که انقلاب کوبا بدوران استبداد دوسرما به داری پایمان داد، تمام ساخت سیاسی و تشکیلاتی ارتش بورژوازی را زیر و ساخت. از این زمان است که فسانه بورژوازی یک ارتش غیر سیاسی در کوبا، خورد و نا بود شد.

در ارتش کوبا برای آنکه انجام یک ما موریت موفقیت آمیز و تضمین شده باشد و با آموزش رزمندگان در یکا بر بردن سلاح و فنون جنگی بیشترین با زده را داشته باشد قبل از هر چیز آموزشهای سیاسی و ایدئولوژیک داده میشود. موفقیت در هر دو زمینه اجرای ما موریت و آموزش، مستلزم مطالعه سیستماتیک مارکسیسم - لنینیسم، شرکت در فعالیتهای روزمره توده ها، گذراندن

کلاسهای درس تاریخ و سیاست، آموزش و درک همکار ی سوسیالیستی و با لافره کار مستقیم افراد، می باشد.

اساس انضباط در سازمان نیروهای مسلح انقلابی (ارتش کوبا) بر اساس سترالیسم دمکراتیک استوار بوده و اعمال میشود. اصل اشتقا دو اشتقا دا ز خود علیرغم محدودیتهای که از انضباط نظامی ناشی میگردد، با جدیت اجرا میشود. وجود دو اصل فوق بعنی سترالیسم دمکراتیک و اشتقا دو اشتقا دا ز خود کوچکترین لطمه ای به اصل فرما ندهی واحد در ارتش خلق، وارد نکرده است.

نیروهای مسلح انقلابی علاوه بر انجام وظیفه عمده شان که دفاع از دستا وردهای انقلاب و مقابله با هر نوع توطئه دشمن خارجی یعنی امپریالیسم امریکاست، در مبارزه برای توسعه اقتصادی و تحکیم ساختار سیاسی سوسیالیسم در پیست و دو - سال گذشته، جداگانه کوشش کرده اند.

افزایش کارائی نظامی نیروهای مسلح انقلابی کوبا در ابتدای دهه ۷۰ این امکان را بوجود آورد که حدود یکصد و پنجاه هزار نفر از پرسنل نیروهای مسلح انقلابی، وهم چنین پنجهزار خودروی ارتشی، از بخش نظامی خارج شده و به خدمت انواع فعالیت های غیر نظامی و سازماندهی در آیند.

سازمان نیروهای مسلح انقلابی کوبا (ارتش خلقی) قادر است کارهای شی پرورش دهد که بموازات داشتن قابلیت و توان به تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و انقلابی کوبا، در امر پیشبرد فعالیتهای اقتصادی کشور نیز از تخصص و کارائی در سطح بالا بهره مند باشند.

در یک کلام بجز نت میتوان گفت کسه نیروهای مسلح انقلابی کوبا، یک ارتش انقلابی مردمی است که از دوش دوش به دوش طبقه کارگر در برپائی و استحکام ساختار سوسیالیسم به پیش میرود.

اهمیت انقلاب کوبا مرفه نظر از همه ملیش دستا وردهای که برای خلق کوبا با رمان آورده، در همه جاهای نیز نقش به سزای در رشد و گسترش جنبش رها شی بخش و سوسیالیستی در جهان و بخصوص در قاره امریکا ایفا کرده است.

ظرفیست و دو سال گذشته خلقها و جهان شاهد این نقش با اهمیت در امتلا نویسن جنبشهای رها شی بخش و سوسیالیستی در دومنیکن، گونا دا، تا شیتی، شیلی، بولیوی، اروگوئه، آرژانتین، پرو، کلمبیا، - گواتمالا، نیکاراگوئه، السالوادور، - هندوراس و... بوده اند.

در نیکاراگوئه جنبش خلق موفق گشت دیکتاتوری ۵۰ ساله سوموزا را سونگون ساخته و در السالوادور جنبش انقلابی در آستانه پیروزی بر رژیم دست نشانده امریکاست.

انقلاب کوبا علاوه بر اثرش در امریکای لاتین، در تشدید مبارزه طبقاتی در امریکای شمالی (ایالات متحده) که بصورت مبارزات خادسیا هان امریکا و رشده آگای طبقه کارگر امریکا به چشم میخورد، اثر گذاشت.

ما فرارسیدن بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا را به خلق دلاور کوبا شادباش گفته و خواهان پیروزیهای با زهم بیشتر خلق کوبا در تحکیم ساختار سوسیالیسم در کوبا و کوششهای صمیمانه در جهت انتزاع سیونالیسم پرولتری و کمکهای بی شائبه جنبشهای رها شی بخش و سوسیالیستی می باشیم. در عین حال ما عدم موضعگیری قاطع کوبا در قبال حاکمیت خدانقلابی جمهوری اسلامی را نقض آشکار انتزاع سیونالیسم پرولتری دانسته و سکوت در مقابل جنایات رژیم را در هر بوش و با هر گونه توجیهی محکوم می کنیم.

# زنده باد انقلاب پرو

بقیه از صفحه ۷

"ریاضت طلبی" ژنرال ها، خانه خرابشان کرده بود، هم اینک حقوق حقه خویش را می طلبیدند.

"فرناندو بیلوننده تری" ما شندتا می نما بیندگان رنگا رنگ بورژوازی، با ارائه بودجه سال ۱۹۸۱ خود خیلی زود به تمام آنجه که گفته بود پشت کرد. این بودجه دست نمی از بودجه "ریاضت طلبی" ژنرال ها داشت. کاهش رقم مربوط به آموزش از ۱۰/۱ درصد، افزایش مالیات های غیر مستقیم که کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان را بلاواسطه هدف می گرفت. کاهش ارقام مربوط به خدمات بهداشتی، حمل و نقل عمومی و خانه سازی، از آن جمله بودند. بورژوازی این گونه عمل میکند.

سوسیالیست های پروشی، متفادوت استند. جامعه دیگر نه عمدتا "جامعه ای دهقانی" که بورژوازی است، با ۴۰ درصد از نیروی فعال اش سازمان یافته در اتحادیه های گوناگون. اتحادیه های که در مجموع ۶۵ درصد از رهبری شان را طبقه گسترده - نیروهای چپ در دست دارند.

شعبه سالهای حاکمیت خونخوری - نظامی، درس های گرانقدری را برای جنبش کارگری و کمونیستی پرودا داشته است. زمانی که ژنرال های خونخورتاشه ای بنا پار تیتست، بدون کیشوت و اربا - امپریالیسم خیالی می جنگیدند و از سوسیالدها تن ارکارگران اعتمادی معادن را بحرم "خدانقلابی بودن" قضا می کردند. جنبش کارگری آموخت که چگونه تنها در بهینه عمل ستیز منافع و معالجه طبقاتی پیداوری مواضع هرکس و هر جریان برخیزد. زمانی که چکمه پوشان در بوق و کوبند از مبارزه "ضد امپریالیستی" خدنگ و ولکی بیشترین حمایت را از بورژوازی صنعتی پرور ارائه میدادند، جنبش کارگری آموخت که مبارزه ضد امپریالیستی را جدا از مبارزه ضد سرمایه داری نداند. زمانی که دولت بنا پار تیتست در پیوند با جناح صنعتی بورژوازی، تمامی شکل های صنعتی و سیاسی کارگران را غیر قانونی میخواندند و همزمان با فریاد ملی کردن، "ملی کردن" برخی از مواضع امپریالیستی را دولتی

میکرد، جنبش کارگری آموخت که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست. زمانی که سوسیالیسم رفرمیست ها - ی قدرت گرا، در چهره، هر که در قدرت بود رسولی میدیدند که کوبا یا بدستگلاخ راه رشد را طی کند، جنبش کارگری آموخت که تنها و تنها به برنام عمل خویش متکی باشد. زمانی که سوسیالیست پیشه ها، از پیش اعتماد های کارگری را بشکست می کشا ندند، جنبش کارگری آموخت که اینان دوستان دروغین خلق اند و جایشان نه در این صف، که در آن صف است. زمانی که برخی از سازمانهای چپ با پیش گرفتن موضع سفاکت انحرافی در ربط با پذیرفتن وحدت برنام، جنبش کمونیستی را به مسلخ روانه می کردند، جنبش کارگری آموخت که با دست رد گذاردن بر وحدت برنام، وحدت عمل را پیش کند. جنبش کارگری در طول این سالها آموخت که مرز بندی اش با رفرمیسم آنهم در اشکال گوناگونش، تنها زمانی نمی امکان پذیر است که خود مسلح به برنام عمل کارگری باشد.

با کوله بار ای این جنبش غنی، جنبش کارگری و کمونیستی پرو، با تدقیق مرز بندی اش، می رود تا با مسلح شدن به برنام مستقل خود، پیشگام جنبش کارگری در امریکای لاتین برای انجام انقلاب پرولتری و برپائی پروشی سوسیالیست گردد.

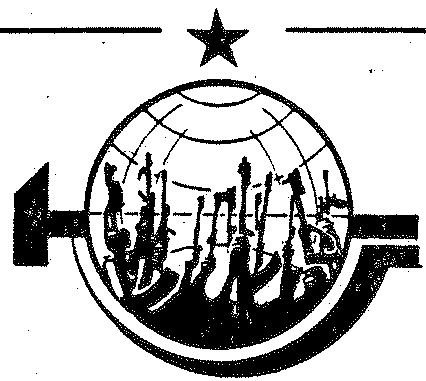
# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# زنده باد انقلاب پرو

(قسمت آخر)

## جنبش جهانی

کارگری - رهائیش



در آخرین بخش از مقاله دنیا به داری که در ریط با قفل و اینفلانسیا در طیقاتی ضرورتاً کنون آراشه شده، اختاره به نکته ای ضرورتاً بدو آن اینکه شایسته برای برخی از رفقای خواننده ضرورتاً بریده چنین برسی جنبش کارگری نیک کشور، بدینگونه، یعنی در طول ۹ شماره از روزنامه زیر عنوان باشد. همانگونه که پیشتر نیز اشاره کردیم، جنبش کارگری پرو که یکی از بزبان ترین و رادیکال ترین جنبش های کارگری در آمریکا لاتین است، بر مبنای آزانچنان مبارزه حاد طبقه ای ای شکل گرفته که بر حمت میتوان تجربه ای همسنگ با آن را سراغ گرفت. در طول ۱۳ سال، پرو تا حدیک دوره، بالنسبه کامل از سبب طبقاتی بوده که در حوضه آن بورژوازی، تمامی شگردهای باوت برده از سلاف اش را به نمایش گذاشت، از سبب پارتنیم با های و هوی حمایت از منافع خلق گرفته تا -

دیکتاتوری خشن و غریبان، از فریبده هم با قیل و قال مبارزه، ضد امپریالیستی گرفته تا حمایت بلاواسطه از منافع شرکت های چند ملیتی امپریالیستی، بورژوازی هر آنچه در کسبه داشت، برای مقابله با جنبش کارگران، دهقانان و تهیدستان، بنمایش گذاشت. از سوی دیگر در طول همین ۱۳ سال نیز چهره رنگارنگ دویتان دروغین خلق برای خلق عیان شد. سوسیال دزمیم پرو که بر چیده از استبداد اش جریانی جز "حزب کمونیست پرو" (P.C.P) نبود و نیست در طول این زمان، نشان داد که رسالت اش تنها و تنها در پیش گرفتن یک سیاست است وین؛ حمایت بی چون و چره از هر آنچه در قدرت است. حال میخواهد این زئیرال "ولکوال واردو"ی سیاست رنیت باشد، یا زئیرال "مورا لیرمودا"ی خلد بویا جناب "فرناندو بلونده تری لیرال" بزغم -

سوسیال دزمیمت ها ایفان همه شان می توانستند می توانستند رسالت دزمیری جامعه پرو را از طریق راه رشد غیر سرمایه داری تا مرزهای سوسیالیسم و از آن هم فراتر تا خود بسط سوسیالیسم، داشتند -

طبقه کارگری پرو و رهبران راستین مسلح به مارکسیسم انقلابی اش در طول این مدت استوار و جان سرکف، یک شبه برجم سرخ - رهائی کارگران و زحمتکشان را، در زیر رگباری از گلوله و آتش و بی اعتنا به اغوای خائنین، در راستای انقلاب پرولتری و برای سرپا ای پرو سوسیالیست بردوش کشیدند. آموختن از سبب این تعارض، آموختن از سبب این صلاحت ها و استواری ها در امر مبارزه، برای جنبش کارگری و کمونیستی مهبان، و برای نمایش انقلابیون کمونیست ضرورتاً می آید.

مراقبت از دورا برگزینند، زئیرال هادری بی یافتن غیرنظا میانی که از سبب انجام کارهای بی برابریکه اینا دیگر قادر نیستند انجامش نمودند، بدینال به عنصر می گشتند: -

۱- نخست باید، دولت غیرنظا می دولتی مقتدر، و از نیروی سیاسی "مشول باشد، تا بتواند بیگونه ای موثر در برابر زئیرال هادریم فزاینده جنبش کارگری و کمونیستی با یست.

۲- باید از پیش ضمانت دهد که هیچ روی گامی در راستای تضعیف ارتش، از طریق اقدام به تحقیق و بررسی دزدیها و نیز جنایاتی که نظا میلان در سالهای - قدرت، مرتکب شدند، بر ندادد.

۳- اینکه نقش باید از نظا میان پرو زمینه کنترل بودجه، بر نامه های اقتصادی و تدوین هرگونه قرارداد، همچنان محفوظ بماند.

به با و اکثر اعضای خونتا، این تنها "حزب آپرا" (A.P.R.A) بود که می توانست چنین تضمین هایی را ارائه دهد. بر پایه چنین درکی بود که زئیرال ها، در خفا با "ها یا دالائوره"، رهبر "حزب آپرا" (APRA) که سالهای آخر عمرش را می گذراند، باب مذاکره را با زئیرال ها، این رشته از مذاکرات با دیگر رهبران "حزب آپرا" (A.P.R.A) نیز حول و حوش مسائلی چون جنگیسی کنترل و سرکوب حرکت های کارگری و نیز نحوه واگذاری دولت به غیرنظا میان پیش و پس از انتخابات ۱۹۷۸ صورت گرفت اما با مرگ "ها یا دالائوره" در اوت ۱۹۷۹، و بدینان دادند تفاهاتی که بر بنیاد برنسیب های سیاسی در درون "حزب آپرا" (A.P.R.A) شکل می گرفت، زئیرال ها بدینان بدیلی دیگر گشتند در معاملات خویش برای تعیین دولت غیرنظا می آینده، جای خالی "حزب آپرا" (A.P.R.A) را پر کردند. برای این کار، اینان متحمل زحمت زیادی - نشدند، "فرناندو بلونده تری" و "حزب کنش مردمی" (A.P) مورد حمایت بورژوازی لیبززال و حاضرینا ظریف بود. این همسان "بلونده تری" بود که زئیرال ها، با زده سال پیش از آن، یعنی سال ۱۹۶۸، از قدرت بزیرش گشاده بودند.

بلونده تری با آگاهی بر بحران که بخاطر نبودن بر نامه عمل کارگری، جنبش کمونیستی پرو را فرا گرفته بود، تلاش اش را بر آن نهاد تا با طرح نیاهای اساسی تهیدستان و لایه های میانی شهروندان پرونی، و دادن وعده بر آوردن این نیاهای بخش های از زحمتکشان را بدینال خود بکشانند. پس از فروپاشی "حزب آپرا" (A.P.R.A)، او خود را یگانه منجی قربانیان دیکتاتوری ده ساله نظا میان می خواند، او قول ایجاد یک میلیون شغل جدید، یکسار با زگرداندن کارگرانی که بدلیل سیاسی از واحدهای تولیدی اخراج شده بودند، آزادی کارگران زندانی، کنترل قیمت ها و تطبیق بسامان سطح دستمزدها با نرخ تورم را میداد.

حتی خود رهبران "حزب کنش مردمی" (A.P) نیز از بهر روزیشان در انتخابات ریاست جمهوری شکست زده شده بودند. ۴۲

در مدارش که تبلونده تری بدست آورد، بهیچ وجه قابل مقایسه با ۲۷/۵ درصد رای کاندید "حزب آپرا" نبود. هرچند که بلونده تری این مقدار حمایت را مدیون حمایت برخی از هواداران نیروهای چپ که هر اسان از قدرت برای "حزب آپرا" (A.P.R.A) بلونده تری را ترجیح داده - بودند، نیز بود. انتخاب بد در برابر بدتر از سوی این هواداران چپ، بواقعی نمایانگر بحران بود که فقدان تحلیلی روشن از رخداد های طبقاتی و نبودن برنامه عمل کارگری، برای جنبش کارگری و کمونیستی پرو آفریده بود.

در دهه ۱۹۶۰، بورژوازی، "فرناندو" - بلونده تری را "امید آمریکا لاتین" میخواند. بر نامه امپریالیستی اتحاد با برای پیشرفت پشتیبانی ای بهیچیک بنا بر می خورد. در این زمان نیز امپریالیسم انتقاران داشت که او یگانه تصمیمی را داشت که برای بهیچیک تغییر در سیاست اصلاحات قریب رهاشی از سبب فساد الیم تریخ روند صنعتی شدن جامعه و جلوگیری از تکرار انقلاب کوبا باشد. اما کودتای نظا میان نشان داد که بر نامه ورشکسته "بلونده تری" زحمت انجام - چنین اهدافی را ندارد.

سال ۱۹۸۰، هنگامی که "بلونده تری" به قدرت بازگشت، با ملتی رادیکالیزه شده در رخداد های طبقاتی روبه روستد. پروی دهه ۱۹۸۰، میرفت تا فازی جدید از بسط سرمایه داری و انباشت را آغاز کند. بدلیل افزایش قیمت مس و جریان جدیدی از زحمت پس از چهار سال سابقه امپریالیستیک، مداخلات و واردات متشانه های از تولید در این حوزه منبهم عمیق بود. در سال ۱۹۷۹ به ۵۲۷ میلیون دلار رسید. این خود بیانگر این نکته بود که کالاهای میانی اش را که عموماً به پرو محور هوو آن ها می توانست بگردد، حال میشد، وارد کرد.

اما از سبب دیگر شما ره کارگران، ضمیمه سالهای دهه ۱۹۶۰ ادویرا بر شده بود و جنبش کارگری در قبایس با ده سال پیش از رهبری - اش کار را زوده و رادیکال بر خوردار - بود. هم از این رو خوش بینی "بلونده تری" در زمینه بر خوردها مسائل کشور نتوانست دیوربا باشد. در نخستین ماه بقدرت رسیدن "بلونده تری"، ۳۰۰۰۰ جناب در سراسر کشور برپا شد. کارگران و زحمتکشان که بر نامه بهیچیک در صفحه ۸

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیش جهان

# هفته وحدت

شماره ۱

اعدامهای وحشیانه رژیم به نهایت خود رسید و همچنین انزوای سیاسی رژیم در سطح منطقه که با پیشه کردن سیاست ارتجاعی بان اسلامی شکل گرفت و بدین شکل روزافزونی رژیم میسر شد. از سویی و از سوی دیگر ما شورهایی عراق در جهت خاتمه دادن به جنگ و ارائه پی در پی طرحهای متفاوت "طلح" که تماماً با عدم پذیرش رژیم جمهوری اسلامی روبرو گشته و از این رژیم چهره‌ای جنگ طلب در جهان و بخصوص منطقه ترسیم کرده است موجبات وزمینه های سرگزاری نمایی بنام "هفته وحدت" را فراهم نموده است. رژیم با برگزاری چنین نمایی کوشید تا در عین مطرح نمودن خود در سطح منطقه و خروج نسبی از انزوای سیاسی، حرکتی را در جهت نفی جنگ طلب بودن خود شکل دهد و خود را خواهان "طلح و وحدت جلوه گر سازد. در عین حال رژیم جمهوری اسلامی اهداف دیگری را نیز از برگزاری این نمایش دنبال میکرد. رژیم که محور تمامی سیاست خارجی - اش را برتری طلبی در منطقه و تثبیت خود بعنوان قدرت غالب قرار داده است و میکوشد در مناطقی که توازن قوا در منطقه بر هم خورده و جاساهاشی هائی در حال رخ دادن است تحت زاندا رمی منطقه را بدست آورد و این سیاست را در سطح منطقه بان اسلامی خود را تداوم بخشد. محور هفته وحدت در رابطه با سیاست خارجی، مواعظها رز طیباتی در انزوای بان اسلامی و خواست و حفاظت از مصالح امپریالیسم در انزوای مذهب تحت هژمونی جمهوری اسلامی بود. روزنامه کیهان این سیاست ارتجاعی را در یادداشت روز خود (دره ۲۰ دیماه) اینچنین شرح میدهد: "در مکتب اسلام نیز مسأله وحدت مطرح است، اسلام پیش از آنکه روی وحدت مسلمانان با دیگر مذاهب و مکتب بحث داشته باشد و وحدت بین خود مسلمانان را در نظر دارد... رابطه مسلمانان با مکتب غیر خدایی بیاضد - خدا شی بر مبنای "عدم تجاوز به حدود خدا" تعیین میشود (کیهان ۲۰ دیماه ۶۰) روشن است که سیاست ارتجاعی - امپریالیستی کمونیست که هدف خود را ایجاد یک سلسله کشورهای کمونیستی جهت جلوگیری از "رشد و نفوذ کمونیسم" در منطقه قرار میدهد بصورتی کامل در اینجانبان میگردد. با بددقت کرد اینجانبان دیگر سخنی از مقابله با امپریالیسم و سلطان بزرگ و غیره نیست سخن از مکتب غیر خدایی، با خدا نشی است که در قاموس رژیم جمهوری اسلامی تنها و تنها کمونیسم معنی میدهد. هرگاه بخواهیم بطرح شده در بالا را خلاصه کنیم میتوان گفت رژیمهای اسلامی منطقه متحد شوند و در مقابل کمونیسم با یستند" در این مورد میتوان به قطعاتی از وحدت توسط اهل سنت "که در نماز جمعه ۱۹ دیماه فراشت تدنیز مرا جمع نمود این - قطعاتی که میگردد "ما حمایت قاطعانه خویش را از جنبشهای اسلامی و نهضت های - آزاد سنجش نظیر افغانستان، مصر، عراق، عربستان و خصوصاً "آزاد سازی بیت المقدس عزیز از جنجال اشغالگران صهیونیست اعلام میداریم" که با هرگاه به فرهنگ بنام ارتجاعی جمهوری اسلامی مراجعه کنیم می بینیم معنای این جمله، اعلام حمایت بدون قید و شرط و قاطعانه از "حرکت اسلامی افغانستان"، "آخوان

المسلمین"، "حزب الدعوة" و "جنبش امل" میباشند. با چنین محتوا و مبالغی است که خاتمه ای دست به مواعظ بر میدارند و سازش طبقاتی ملت و دولتهای ارتجاعی و سرسپرده منطقه را زیر لوای اسلام مواعظ می کنند و میگویند "توصیه من به برادران در راه دولتهای مسلمان این است که گام اول را در راه این وحدت بزرگ بردارند گام اول آشتی با ملتهاست. میان دولتهای و ملتها با بدآشتی و مهربانی بوجود آید" (کنفرانس مطبوعاتی - جمهوری اسلامی ۱۹ دیماه)

با بددانت - و توجه کرد - که در این - سیاست بشكل خود بخودی مسأله برتری طلبی و اعمال هژمونی جمهوری اسلامی نهفته است. رژیم با تبلیغ یا بان سلامیسم و فراخواندن تمامی "ملت" از زیر پرچم اسلام در حقیقت به تبلیغ رهبری "امام" و فراخواندن تمامی دولت های مرتجع زیر پرچم او مشغول است.

و بر روشنی معلوم است که اسلام در اینجانبان به رهبری خمینی و هژمونی جمهوری اسلامی و گرنه ملل اسلامی و مسئولان - کشورهای اسلامی که همانا دولتهای مرتجع منطقه باشند "اسلام" را مدتهاست که پذیرفته اند. ما این وجه از سیاست را در عرصه داخلی نیز دنبال خواهیم کرد. بهر حال آنگونه که تمامی شواهد نشان میدهد، این نمایش رژیم در سطح جهان و منطقه با ردیگر او را با شکستی مفتضحانه روبرو ساخت! استقبال همه جانبه از هفته "وحدت" بخصوص در سطح کشورهای اسلامی را میتوان با "استقبال وسیع" کشورهای منطقه از طرح "جبهه واحد اسلامی ضد صهیونیسم" مقابله نمود (ما قسلاً)

در این مورد نوشته ایم) علیرغم تمامی تلاشهای تبلیغاتی رژیم حتی یک حمایت و پشتیبانی در سطوح بالای دیپلماتیک کشورهای از این "هفته" صورت نگرفت. نیروهای خارجی شرکت کننده در "هفته" وحدت نیز نه تنها از فرادیسار معدودی تشکیل میشوند بلکه از نظر حمایت فعال و همچنین سطح مقامات کشوری و حتی مقام مذهبی در سطح سیاست رانان قسراً داشتند. از طرف دیگر با وجود تبلیغات گزیننده و دروغین رژیم، تمامی مراسم برگزار شده در کشورهای خارجی بوسیله دانشجویان فائز ایرانی برگزار شده است (و اینرا اخبار خود رژیم نیز آنگاه که کمی در آن دقت خود بخوبی نشان میدهد) بجز ات میتوان گفت هیچ کشور و یا جنبش آزادیبخشی در مقابل این نمایش رژیم و او کنش مثبت و فعال نشان نداد. رژیم که آخرین شانس های خود را جهت جلوگیری از کامل شدن انزوای و کسب هژمونی سیاسی در منطقه می آزما بد اینبار هم با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. ۲- زمینه ها و عمل داخلی برگزاری "هفته وحدت" را نیز سیاست داخلی در وجه کلی میتوان سرگزاری "هفته وحدت" را نمایش مضحکی جهت یکبار چنه نشان دادن رژیم و همچنین تظاهر به حمایت از "اهل سنت" و دلجوئی از آنان نامید. هر چند که در این رابطه اهداف حسی نیز وجود دارد که به ذکر آن خواهیم پرداخت.

رشدتفادهای داخلی رژیم و شکل گیری سریع جناحهای متخاصم که در تداوم خود کل رژیم را در معرض از هم پاشیدن قرار خواهد داد و انعکاس وسیع این تفادهای در سطح توده ها که ما نمونه های متعددی آنرا ذکر کرده ایم (رژیم را بر آن داشت تا نمایی از وحدت را به صحنه بیاورد. اما رند این تفادهای آنچنان است که نمیتوان سروردها هفته وحدت نیز آنها را در پشت

برده مخفی کرد. بطوریکه حتی آیت الله منتظری در "هفته" وحدت هم طاقتمت نمیاورد و در پیام خود به همین مناسبت به شدت "افراطیون" را تندروهای جاهل و "افراد یک بعدی" را مورد حمله قرار میدهد و در عین حال سخن از دستهای "مرموزی" که قصد منزوی کردن روحانیون و ایجاد جو سوء ظن و بی اعتمادی به آنان را دارند به میان میآورد. منتظری میگوید: "در برخورد با مسائل جاری... شنیده میشود برادرانی که در صداقت و حسن نیتشان شکی نیست تا خود آنگاه تحت تاثیر هوکا ذب و القانات مرموزی واقع میشوند که نتیجه ای جز تشدید جو سوء ظن و بی اعتمادی عمومی و منسزوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره... نخواهد بود...." (جمهوری اسلامی ۱۹ دیماه)

و بدین طریق در هفته "وحدت" در عین - بروز دادن تفادهای و نفاق حاکم در رژیم در شکلی "وحدت شکنانه جناح مخالف را مورد حمله قرار میدهد. کلاً با بدگفت جناح حاکم در عین با لایردن پرچم "وحدت" بخصوص از طریق محور نمودن رهبری سیاسی، مذهبی خمینی که مورد پذیرش جناح حقیقت است سعی در محکم کردن جای پای خود دارد.

از سوی دیگر رژیم در "هفته" وحدت کوشید تا با ردیگر با جلب برخی آخوندهای سرسپرده سنی و تا کید مجدد به برخی امتیازات داده شده به آنان "وحدت شیعه" و سنی و از زیر پرچم خمینی را به نمایش درآورد و از این طریق به گمان خود به قریب خطفهای کرد، ترکمن، بلوچ و عرب بپردازد. البته با بد توجه داشت این وجه از مسأله هر چند در سطح داخل بیشتر بر آن تکیه میشود اما در رابطه با کل منطقه عمل میکند. رژیم سعی داشت از این طریق - رهبری خمینی بر تمامی مسلمانان را - تثبیت نماید.

اما علیرغم تمامی تبلیغات، بکار گیری تمامی نیروها، مخارج هنگفت جهت هر چه با شکوهرت برگزار کردن هفته وحدت اما کوچکترین حرکتی که بتوان از آن به عنوان حمایت مردم از این عمل نام برد ویرجول آن تبلیغ کرده دیده نشد. کوچکترین سخنی در این مورد در کارخانجات محلات و در میان توده ها به چشم نمی خورد. فشار عیاشیات، فشار فقر، گرانگی و بیگاری و آوارگی آنچنان سخت است که توده ها کوچکترین سخنی از وحدت - وحدت با رژیم - را به مسخره میگیرند. توده ها در تجربه خود خوبی فرا گرفته اند که هر گونه وحدت با عوامل مزدوران رژیم، هر گونه گام در جهت تثبیت و حفظ آن به معنای وحدت با فقر، وحدت با سرکوب، وحدت با گرسنگی و وحدت با جوخه های مرگ است. از اینروست که "توده ها" در "هفته" وحدت رژیم را در صحنه تنها نهادند.

شکست مفتضحانه "هفته" وحدت بخوبی سیانگرا انزوای سیاسی رژیم از نظر دیپلماتی خارجی و همچنین منغور بودن کامل آن در نزد توده ها است. مسلم است که رژیم دست از این حیلها بر نخواهد داشت و تلاشهای مجددی را به آنچنان گوناگون شکل خواهد داد اما آنچه بخوبی روشن است اینست که این آخرین تلاشها است.

**در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید**



# اقدامات جدید وزارت

بقیه از صفحه ۱

لایحه قانونی شوراها و اسلامی کارکنان...  
موضوع شورای انقلاب آزمایشی و مدت آن  
برای یکسال بوده است و همچنین به منظور  
بررسی عملکرد شوراها و اسلامی که بر اساس  
لایحه مذکور تشکیل شده است "تا تصویب  
لایحه قانونی آن در مجلس، تشکیل شوراها  
متوقف شد.

حکم توقف شوراها و اسلامی در شرایطی  
مطرح شد که رژیم بکمک عواملش در کارخانه  
- ها دست به انحلال شوراها و مترقی و  
بینا بینه میزد و وزیر سر نیزه دژ خیمانش  
"شوراها و اسلامی برپا میکرد. حال بسا  
توجه به اقدام اخیر وزارت کار، با مدیریت  
شود که رژیم با این حکم چه سبستی را -  
تعقیب میکند. اما قبیل از بسختی با این  
مسئله لازمست شوراها را از قیام تا کنون  
مورد ارزیابی قرار دهیم: شوراها -  
کارخانه از جمله دستاوردهای طبقه کارگر  
ایران بود که همزمان با قیام شکوهمند  
۲۲ بهمن بصورت ارگانهای خودجوش و  
متناسب با شرایط جامعه شکل گرفت و  
میتوان شوراها را در مقطع قیام بمثابه  
ارگانهای اعمال اراده کارگران با توجه  
به سطح آگاهی آنان در نظر گرفت. در آن  
شرایط سرما به داران بزرگ، کارخانهها  
را رها کرده و گریخته بودند و اکثر کارخانهها  
نیز بدستال اعتصابات کارگران از کار  
افتاده بود در چنین شرایطی شوراها در -  
برخی کارخانهها تا حد مدیریت واحدها نیز  
پیش رفت. کارگران کارخانهها را متعلق  
به خود میدادند و با توجه به توهمی که  
نسبت به آنها کشیدند خواستار رحمت  
رژیم از شوراها و... بودند.

اما بتدریج در گریبهای رژیم با شوراها  
آغاز شد و مقامات رژیم با شوراها از طریق  
انتصاب مدیران و تحمیل آنان به کارگران  
از یکسو و ضدیت آشکار با شوراها از سوی  
دیگر متجلی شد و برخورد های آشکار -  
کارگران و شوراها با مدیریت و سرمایه -  
داران افزایش یافت اما انرژی توده ای  
حاصل از انقلاب قویتر از آن بود که رژیم  
بر احیای بتواند این ارگانهای اعمال  
اراده کارگران را درهم شکنند و ناچار  
سیاست رژیم مورد شوراها تغییر کرد. از  
آنجا که انحلال شوراها امکان پذیر نبود،  
مسئله بی محتوا کردن شوراها در دستور کار  
وزارت سرما به "قرار گرفت. وجود شوراها  
پذیرفته شد اما شوراها و مورد نظر رژیم  
چیزی جز اشتهای انجمن های اسلامی  
نیبودند. سپس با تنظیم یک سلسله قوانین  
شوراها به بند کشیده شدند و محدودیتهایی  
برای آنان در نظر گرفتند. حال نوبت  
شورای انقلاب بود که به چنین قوانینی  
رسمیت ببخشد. قوانین دستنهی شورای  
انقلاب چهار هدف را تعقیب میکرد:

- ۱- محتوای طبقاتی شوراها را  
مخدوش میکرد و از نظر طبقاتی کارگران و  
کارفرمایان را در یک ردیف قرار میداد.  
بطوریکه مدیریت هم میتواند عضو شورا  
باشد.
- ۲- اختلافات بین شوراها و کارفرمایان  
را به نفع کارفرمایان قیلمه میداد.
- ۳- شوراها را به ازاد و همکار مدیریت  
تبدیل میکرد.

۴- افزایش تولید و بهره وری کار را  
از وظایف اصلی شوراها قرار میداد.  
بدین ترتیب رژیم ضد انقلابی جمهوری  
اسلامی از یک طرف با تنظیم قانون اختیارات  
شوراها و از طرف دیگر با گسیل آبیادی -  
خود به کارخانهها و نفوذ در شوراها و انقلابی

تهاجم گسترده ای بر علیه شوراها آغاز کرد.  
مبارزه کارگران برای حفظ شوراها و  
تهاجم رژیم و ایدئولوژی بر علیه شوراها -  
متناسب با اقت و تغییراتی که در روند  
مبارزات کارگران بروز میکرد به انگسال  
مختلف ادامه داشت. از آغاز سال ۶۰ رژیم  
مرحله نویسی را در پورش به شوراها پیش  
گرفت بدین معنی که تحت عنوان "قانونی  
کردن" شوراها، یک نفر از سوی وزارت کار،  
یک نفر از سوی انجمن اسلامی تحت حمایت  
و یا ری سپاه پاسداران هر منطقه بسبب  
کارخانهها رفته شوراها را منحل نموده و  
شورای اسلامی تشکیل میدادند و سپس -  
شورای فوق را "قانونی" میکردند. در این  
میان مزدوران رژیم معمولاً به کارخانه -  
هایی که شورای زده داشتند و تحت کنترل  
انجمن های اسلامی بودند مراجعه نمی کردند  
و همچنین رفتن به کارخانه ها را که -  
شوراها یا کارمندان انقلابی داشتند به تعویق  
می انداختند تا پس از درهم شکستن شوراها  
ببینا بینه و ضعیفتر، شوراها و انقلابی  
را به محاصره خود در آورده و مقامات آنان  
را درهم شکنند. بعد از واقعه ۳۰ خرداد،  
عملکرد ضد انقلاب حاکم عبارت از تشدید  
همین سیاست بود و مزدوران رژیم به زور  
سر نیزه پاسداران، شوراها را منحل اعلام  
نموده و در برخی موارد نمایندگان -  
کارگران را دستگیر میکردند. در انتخابات  
فرمایشی که جهت تشکیل شوراها به اجرا  
در می آمد و ضابطی برای کاندیداهای  
نمایندگی گذاشته میشد اما در نهاییست  
حق و توتی نهائی را انجمن های اسلامی  
در این رابطه داشت و در اکثر موارد  
کسی جز یادی رژیم برای کاندیداتوری  
باقی نمی ماند، اما عکس العمل کارگران  
بدین صورت بود که در انتخابات فرمایشی  
تمایلی به شرکت نشان میدادند و بسا  
نوشتن شعارهای سروری گارتها -  
انتخاباتی، مخالفت خود را نشان -  
میدادند. و مزدوران نیز جهت شناسایی  
کارگران انتخابات را غیر مخفی میکردند.  
اما رژیم علی رغم تلاش خود نتوانست  
این برتا م را در کلیه کارخانهها به اجرا  
در آورده اما در همین کار میتوان گفت که  
وجه غالب شوراها و کنونی کارخانهها  
فاقد مضمون انقلابی بود.

چرا تشکیل شوراها متوقف شد ؟  
وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی میگوید:  
اولاً مصوبه شورای انقلاب برای یکسال  
اعتبار داشت، ثانیا "می بایست عملکرد  
چنین شوراها را مورد بررسی قرار گرفتند تا  
مجلس بتواند لایحه آنرا تصویب نماید.  
(۱۰/۴) کیهان) و از این احکام نتیجه  
میگردد که تشکیل شوراها از این به بعد  
ممنوع خواهد بود، تا قانون آن تهیه و  
تصویب شود. و در روز بعد در تاریخ ۱۰/۶  
(کیهان)، روابط عمومی وزارت کار طبق  
اطلاعیه ای خطاب به شوراها، انجمن ها  
و مدیران از آنها میخواهد که "قبل از هر  
گونه اقدامی در مورد مسائل کار و کاری  
به ادارات این وزارتخانه مراجعه  
و هماهنگی لازم را بعمل آورند. و بسپاسه  
این اطلاعیه در واقع "نحوه عملکرد شورا  
های کارخانه را محدود و به نظر وزارت  
کار کرده و در پی فشاری روی این مسئله به  
حدی پیش می رود که عدول از این اطلاعیه  
را مستوجب "بگرداند استانی کل انقلاب"  
میدانند.

در روز بعد در تاریخ ۱۰/۱۶ (کیهان)  
وزیر کار اعلام می کند "شوراها و اسلامی به  
ثبت رسیده تا پایان دوره نمایندگی  
قانونی بوده و بعد از اتمام وظایف قانونی  
خود خواهد بود. وزیر کار در طرف همینه چاک  
میدانند که شوراها را منحل نگردد و بهرلیکه

جلوی تشکیل شوراها و جدیداً گزینیم ما  
در حقیقت اگر شوراها را که به ثبت  
رسیده منحل نکنند، پس از پایان دوره  
نمایندگی خود بخود شوراها از زمین خواهد  
رفت. و از آنجا که دوره های نمایندگی  
شوراها همگی یکسان نمی باشد، به ترتیب  
و آرام آرام شوراها را کارخانه برچیده  
خواهند شد، تا با ملاحظ "مجلس اسلامی"  
قانون شوراها و تشکیل آنها را تصویب  
نماید.

بدین ترتیب طرح رژیم تکمیل میشود.  
ابتداء جلوی گیری از تشکیل شوراها و جدیداً،  
سپس کنترل شدید عملکرد شوراها و باقی  
مانده، و انگه پایان هر دوره نمایندگی  
یعنی پایان حیات شوراها موجود.

ما پیش از این بهرامون ۳ اطلاعیه فوق  
وضد و نقیضها و حیلله گریبهای رژیم سفین  
نگفته و به اصل مطلب یعنی علل شخصی  
این اقدامات می پردازیم.  
اما قبل از بررسی علل اقدامات اخیر  
وزارت کار، لازمست نکته ای را در رابطه  
با شوراها و فرمایشی موجود در کارخانه  
- ها که تعدادشان هم کم نیست ذکر نمایم  
هما نظر بریکه قبلاً هم بارها گفته ایم، ما به  
هیچوجه اینگونه شوراها را تا شید نمی نمایم  
سیاست ما در قبال این شوراها، افشا و -  
مقابله با آنهاست. ما در مبارزه با این  
شوراها، برای رسیدن به شوراها و انقلابی  
تلاش می نمایم، لکن در این مقاله اگر  
اقدامات اخیر وزارت کار را در رابطه  
با شوراها بطور کلی افشا نموده ایم، به  
هیچوجه نباید به معنی تا شید شوراها  
فرمایشی تلقی گردد. ما در چگونگی  
برخورد با این شوراها تجدید نظری را سبب  
شود. ما صرفاً میخواهیم نشان دهیم که  
رژیم جمهوری اسلامی اگر قاربا شوراگر  
شرایط عمومی جامعه به اوج زده ها ما  
بساط حضور شوراها، بعنوان یک ارگان  
تشکیل توده ای را برخواهد چید.

اینک مهمترین عواملی که رژیم را  
و ادارات به چنین اقداماتی در شرایط کنونی  
نموده است، بر می شماریم.  
۱- ترغیب سرما به گذاری در صنایع:  
کمتر کسی از سردمداران رژیم جمهوری  
اسلامی را میتوان یافت که در یکی دو -  
ماه اخیر، تا کیدروی تضمین امنیت  
سرما به توضیحی جهت سرما به گذاری، -  
با لاف صنایع نداشته باشد. صحبت های -  
رفتاری در نماز جمعه، سخنان خامنه  
- ای رئیس جمهوری و موسوی نخست  
وزیر و... بسا نگرسیاست دولت در این  
زمینه است و رژیم تلاش میکند تا با اعمال  
چنین سیاستهای از فشار رهبران اقتصادی  
بکاهد. از آنجا که رژیم بخوبی میداند  
سرما به های گریزان از صنایع پیش از هر  
چیز به داشتن امنیت نیاز دارند و از آنجا  
که رژیم میداند یکی از وجوه عمده نبودن  
امنیت برای سرما به، مبارزات حق -  
طلبانه کارگران و اعمال کنترل کارگری  
بر تولید از طریق شوراها بوده است، و  
سرما به داران و مدیران، اولین مانع  
بهره کنی از کارگران در محیط کار را  
شوراها میدادند، لذا با این پورش جدید،  
نویسندگان شوراها را به سرما به داران  
میدهد و خود بیکوشد تا حد امکان راه را  
برای بهره کنی راحت و بی درد سر هموار  
نماید. اینست رابطه توقف تشکیل شوراها  
با برتا م های اقتصادی رژیم.

۲- ترس از واچگیری مبارزات  
کارگری - رژیم با پورش همه جا نیه خود پس  
از ۳۰ خرداد، ضربات سنگینی بر پیکر  
جنبش کارگری وارد نمود. در این دوره -  
توانست علاوه بر دستگیری اقدام  
بقیه در صفحه ۱۰

### اقدامات جدید وزارت

بقیه از صفحه ۹

اجرای بخشی از کارگران پیرو، تشکیل - های کارگری را نیز به حدیستنا "زیادی از هم میاندوید" این ترتیب آتی هر چند موفق بر جنبش کارگری حاکم گرداند -

شوراهای کارگری و نمایندگان و اقتسی کارگران در آینده دوره، آماج حملات رژیم بودند. اما آیا رژیم می تواند این اقتس مبارزاتی را به یک رکود بسی کشاند؟ می توان قاطعانه پاسخ منفی داد. زیرا آنچه در این یکی دو ماه اخیر در جنبش کارگری اتفاق افتاد، هتداریهای حدی به رژیم بود. راهبیمانی و جمع ده هزار کارگر ایران تا سیونال، عمل مستقیم و انقلابی کارگران شوقنا زکار، اتحاد - کارگران استان ولایت و غیره، در شرایط خفای حاکم، یادآور ضربه های سهمگین کارگران بر رژیم دیکتاتوری شاه در دوره قیام بود. و در آتیه نیز با توجه فقر و فلاکت فزاینده و کمبود رزاق عمومی و بی مسکنی و غیره طلبیه های گسترش سراسری جنبش کارگری به چشم میخورد. و رژیم برای پیشگیری از آن تلاش میکند. از جمله این اقدامات اینست که از هم اکنون راههای تشکیل کارگران را بستند، زیرا کارگران بدون تشکل را براحتی میتوان سرکوب کرد. رژیم از هم اکنون جلوی تشکیل شوراهای را میگیرد تا در آینده در اولین - گامهای او جگیری سراسری مبارزات طبقه کارگر، کارگران نتوانند شوراهای - انقلابی خود را چه از طریق انحلال شوراهای فرمایشی و یا بطور مستقیم ایجاد نمایند. زیرا شوراهای انقلابی به مثابه ارگان اعمال اراده و پرولتاریا، ارگان کنترل کارگری سرکوبید و... میباشند.

۳- مقابله کارگران با انتخابات اجباری: مزدوران رژیم هر چند در آینده توانستند در اغلب کارخانه ها شوراهای مورد نظر خود را با درهم شکستن شوراهای مترقی کارگران ایجاد نمایند. اما - واقعیت این است که نه تنها این حرکات را سراجتی انجام نداده اند، بلکه با اعمال شوه های ضد کارگری خود ما هیست رژیم را هر چه بیشتر برای کارگران عیان ساخته اند. هیست جهت کارگران رعیتی به شرکت در انتخابات اجباری اینگونه شوراهای داشته اند. اگر تهدیدیه اچراج و دستگیری نبوده و اگر تهدیدیه کسری و مزایا و غیره در کار نبود و یا لاخره اگر سر نیزه دژ خیمان وجود داشت بیجرات میتوان - گفت که کارگران حاضر به شرکت در جنبش انتخاباتی نبودند. اما علیرغم همه این فشارها مسئله انتخابات شوراهای جدید اسلامی خود از جمله مواردی بود که در کارخانه های گوناگون گاه کار را به مبارزات در درونی کشاند و حتی مزدوران رژیم موفق به اجرای برنامه های خود می شدند - کارگران اینکه نماینده واقعی خود را در سند و شوراهای منتخب خودشان را منحل شده می دیدند طبیعی بود که رعیتی به ایست انتخابات نشان ندهند. ما قاطعانه نمونه های از این موارد را در کار رد کرده و بسند از این نمونه های دیگری خواهیم آورد. بسند این ترتیب مقابله کارگران با انتخابات اجباری درون کارخانه ها مخصوصا از این به بعد میباشند یکی از مواردی است که درگیری های کاروسرما به زادت بخشد. از اینرو رژیم جمهوری اسلامی میگوید - که یکبار برای همیشه جلوی این انگیزه - مبارزاتی را گرفته و بی جهت به سرخمس - آماده اشغال کارگران چرفه نیا فکند.

دیگر نماینده های از وزارت کار، نماینده - ای از انجمنهای منفور اسلامی به همراه سپاه پاسداران به کارخانه ها سفر شدند و بر سر تشکیل شوراهای جدید و انحلال قدیمی - ها مسئله نیا فریبند و موجب مبارزه - گشاده شدن کارگران نگردد.

۴- عدم توانایی در کنترل کامل شوراهای اسلامی: این نکته از جمله مواردی است که توجه به آن در چگونگی برخورد با شوراهای فرمایشی در شرایط کنونی اهمیت زیادی دارد. سؤال این است که آیا - شوراهای اسلامی آیکه تا کنون تشکیل شده است در تمام موارد توانسته اند یادی رژیم را در خود جای دهد و آیا این شوراهای بطور کامل تحت تسلط حیره خواران رژیم بوده اند؟ واقعیت عینی نشان میدهد که پاسخ این سؤال منفی است. هر چند رژیم در کلیت خود توانسته شوراهای را از محتوی خالی نماید، هر چند که با یورش همه جا شده خود به انقلاب توانسته شوراهای را در کلیت خود در اختیار بگیرد اما هنوز تماما "و بطور کامل در این زمینه موفق نبوده است. بوده اند کارخانه ها شیکه با او جگیری مبارزات بحق کارگران، بدون نمایندگان "شورای اسلامی" اختلاف بروز کرده و شوراهای تنها سدکننده مبارزات کارگران نبوده - بلکه بخشی از آن نیز مستقیم یا غیر مستقیم به کارگران کمک نموده و چه بسا خود شوراهای به دفاع از کارگران پرداخته است. علت بروز چنین وضعی را در چگونگی ایجاد و نحوه فعالیت جاری این شوراهای با بسند جستجو کرد. هر چند این شوراهای زیر سر نیزه پاسداران بوجود آمده باشند، هر چند در شرایط اسلامی و غیره برای راه یابی به آن گذاشته باشند، اما بدون دلیل تمام نمایندگان که به آن راه میباشند از راه "از منزه های سرسپرد رژیم نیستند. اولاً بخاطر انتصابی نبودن کامل این شوراهای که امکان نفوذ از پائین در آنها وجود دارد. هر چند هم که ضعیف باشد - توجه داشته باشید هدف ما فقط دادن پیشبرد مبارزه توسط ایست شوراهای نیست بلکه عدم امکان کنترل کامل رژیم بر این شوراهای را می خواهیم نشان دهیم. دوماً "ما هیست وجودی شوراهای - ی کارخانه که تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات را میطلبند. این دو نکته یعنی اولی امکان مواخذه نمایندگان توسط کارگران و دومی امکان تعویض نمایندگان را هر چند دوره ای نیز می باشد عملی عیسا زد که خود در جهت مشکل ساختن کنترل کامل رژیم بر این شوراهای است. از اینها که میگذریم اختلافات درون هیست کارخانه که خود به نوعی با سراجتی عمومی آنها معده در ارتباط می باشد در این شوراهای انعکاس می یابد. این نکته است حتی در مورد انجمن اسلامی در گذشته نیز اتفاق افتاد بود بدین ترتیب که تعدادی از انجمن های اسلامی کارخانه به سمت لیسیرالها گرایش پیدا کرده و عملاً از زانده های حزب جمهوری اسلامی خارج و ساختهای حزب را درون کارخانه ها پیش نمی بردند. اکنون همین مسئله بیوعی در مورد انجمن های اسلامی مجدداً بروز کرده است. منتها این بار نتایج دین دار و دوسته حزب جمهوری و انجمن جنبش می باشد. و از آنجا که انجمن های اسلامی یا "شوراهای اسلامی" کارخانه را بطور نزدیک دارند حتی در برخی موارد تعدادی از اعضای شوراهای را نیز تشکیل می دهند این اختلافات - اکنون درون شوراهای و در سرخورد آنها با مدیریت دولتی نیز بصورت عملکردهای متفاوت خود را نشان میدهد. البته ایست مسئله تا زگی نداشته بلکه در گذشته بدلیل عدم بودن سایر موارد در پنهان گشته بود. مثلاً در کارخانه با آهن آفیلها - جدید

۸ ماه پیش وقتی ایاتی رژیم میخواستند ضوابط برای تعیین نمایندگان تهیه کنند در یکی از بندهای قید می کنند که "عضوانجمن ضعیف شیت نبوده باشند" بهرحال هدف از ذکر این موارد نشان دادن عدم توانایی همه جا نبه رژیم در کنترل شوراهای است. مواردی را که بر سر رژیم از جمله عوامل اصلی است که رژیم را وادار می کند تا یورش جدید خود را به شوراهای آغاز نماید.

اکنون که هر روز دهها تن از بهترین فرزندان خلق به جوخه های اعدام سپرده می شوند و رژیم ضد خلقی خیمانیها جسم گسترده ای را علیه خلق آغاز کرده است آیا بهترین فرصت برای تمام کردن خیمه - شب بازی "قانونی کردن" اسلامی کردن شوراهای هیست؟ آیا برای ضد انقلاب حاکم اکنون بهترین شرایط برای برداشتن گامهای اساسی در جهت نفی کامل شوراهای نیست؟

کچه ممکن است از جانب فرمایشیهای این اقدام وزارت کار یعنی توقف تشکیل شوراهای اسلامی، به معنی عقب نشینی رژیم در منحل کردن تعداد زیادی شوراهای کارخانه و ایجاد شوراهای - فرمایشی تعبیر و تفسیر شود؟ واقعیت اینست که این اقدام تنها جم جدیدی جهت برچیدن کامل شوراهای بعنوان یک ارگان تشکل شده ای و محکوم مل شوراهای کارخانه ها می باشد.

البته وزیر کار میگوید که بعد از تصویب لایحه قانونی در مجلس، شوراهای مجدداً شکل خواهند گرفت. اما همچنانکه حدود یکسال و نیم است که این لایحه در مجلس مانده است، بعد از این نیز خواهد ماند. اکنون که رژیم درگیر بحرانهای حاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی است - اکنون که رژیم با یگانه توده ای خود را بعد و سیمی از دست داده است و اکنون که خطر فلاکت و قحطی از یک طرف و احتمال خیزش های وسیع توده ای از طرف دیگر زمام سرنگونی این رژیم را هر چه نزدیکتر می کند، مجلس شورای اسلامی اینها را نیز لایحه قانونی شوراهای را با فراموشی خواهد سپرد. تا تشکیل خود را با این اساسی ترین مشکل خویش روشن نماید. اگر چنین شد، اگر رژیم توانست گریبان خود را از بحرانهای متعدد موجودها باز دهد، باز هم وجود شوراهای را در کارخانه ها بعنوان یک ارگان تشکل توده ای پذیرا نخواهد شد. مگر اینکه همه تصور که گفتیم تنها سبب قوای طبقه ای رژیم را به بدیش آن - وادارد. هر حله ای که اکنون آغاز شده تعرض جدیدی در جهت برچیدن کامل شوراهای کارخانه است رژیم جمهوری - اسلامی میگوید تا این فرصت را از دست ندهد!

وظایف کارگران پیشرو

برای اینکه وظیفه کارگران پیشرو در راسته اقدامات اخیر وزارت کار و شوراهای کارخانه مشخص شود، لازم است به نقش تشکلهای علمی در پیشبرد مبارزات کارگری در شرایط کنونی اشاره - ای شود. البته این مسئله به محسب کلی تری در رابطه با وضعیت عمومی اشکال مبارزه در جنبش کارگری تشکلهای پیشرو در مقابل آن مربوط است. اما از آنجا که با سخ به آن خود موضوع مقالات دیگری است، در اینجا کافی است اشاره کنیم آنچه از یرو به یکسال گذشته تا کنون می توان دید مناسب با گسترش فشار و اختناق در سطح جامعه، کاهش تدریجی اشکال علمی مبارزه کارگران در روند مبارزه طبقه ای

# بررسی اشکال مقاومت و مبارزه توده‌ها

- آبان و آذر ۶۰ -

در دو ماه آبان و آذر، خیزشهای نوینی در مبارزات توده‌ها و بویژه کارگران دیده میشود. غلبان خشم و نفرت توده‌ها در کارخانجات، صف‌ها، مدارس و روستاها نمودهای آشکاری یافته‌است. ابتدایه ذکر نموده‌های مقاومت و مبارزه توده‌ها میسرند. اما راه نمونه‌های برگزیده حرکات جمعی توده‌ای را با آوردن بخشها - بی از اعلامیه انجمن اسلامی ایران - ناسیونال شروع می‌کنیم. افزایش صریح مزدوران جنایتکار رژیم به وجود کم کاری و مزمنه اعتصاب در کارخانجات پدید آمده‌ای فوق النصاب در بعضی است که به وضع ترین صورتی نشانیگر پیشروی جنبش انقلابی است. و از ارتقاء آیین مبارزات به درجات عالی تر سخن می‌گوید.

از اعلامیه انجمن اسلامی ایران ناسیونال ۶۰/۹/۱۶  
... اصولاً دلیل اصلی صدور چنین بخشنامه‌ای به این علت بوده است که اخیراً کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی - ایران ناسیونال خواستار گرفتن سهمیه از تولیدات خود بودند... در بعضی موارد نظیر مزد اصرار بر این موضوع منجر به کم کاری شده است... سازمان صنایع ملی ایران جهت رفع تبعیض و جلوگیری از اعتصاب در سایر کارخانجات که از مزایای کمی به گوش میرسد تصمیم گرفت

متأسفانه پس از صدور این بخشنامه در ایران ناسیونال کم کاری‌هایی مشاهده شده است (تاکیدات از ما است)  
نشریه کار: آبانماه، کارگران - بنی سلیتن تولیدارونما بنده تحمیلی شورا را تندی بر گرفته و نما بنده دیگری از قسمتشان انتخاب نمودند... کارگران یکی از بخشهای مهمات سازی به علت حذف کاندیداهای موردنشان خود از جانب شورای فرمایشی در انتخابات شرکت نکردند... (کار ۱۳۴)

آبانماه - کارگران استرالایت در اعتراض به اخراج ۶ تن از همکاران - مبارزان دست به اعتصاب زدند... کارکنان یک آزمایشگاه در پارچین در اعتراض به حذف ۳ کاندیدای خود - شرکت نکردن در انتخابات و یادادن رای سفید یا انتخابات قلابی به مقابله - برخاستند... کارگران مینور در انتخاب نما بنده برای بررسی طبقه بندی مشاغل با ایستادگی در مقابل جوب الهی ها - موفق شدند یک نما بنده از خودشان بفرستند... (کار ۱۳۸) - کارگران شوقاز - کار برای اخراج مدیر عامل و عناصر ضد کارگر کارخانه دست به اعتصاب زدند... (کار ۱۳۹) - تشییع کارگر شهید در کرج... راهیما شای بیگار آن کرج در مقابل اسل اداره کار ریایی (کار ۱۴۰)  
آذرماه - اعتصاب گسترده کارگران - مبارزان کارخانه ایران ناسیونال میتوانند سرطلی نوین در مبارزات کارگران و

آغازی شکوهمند را انقلابی با شکوه... (کار ۱۴۰) - شرکت آدمیرال در شیراز - ماه پیشتر است برای افاضه دستمزد دست به اعتصاب زده است و هنوز در حال اعتصاب است. (کار ۱۴۱)

۷۹/۱۷ - کارگران کارخانه دلیلیان - برای اخراج یک عنصر ضد کارگری یکپارچه متحمن می‌شوند و همراهِ خواهان اخراج وی می‌شوند. بعلت تداوم متحمن مدیر عامل کارخانه را تعطیل می‌کنند و روز بعد عده - زیادتی از کارگران را اخراج می‌کنند. ۷۹/۱۱ - کارگران یکی از کارخانجات تهران در اعتراض به قطع گوشت از رها عده برداشت ختی سختی کار، زیاد شدن سرعت خطوط تولید و فشار کار شروع به کم کاری می‌کنند. این عمل باعث وحشت مسئولین میشود. کم کاری به سرعت اکثر بخشهای کارخانه را فرا میگیرد. کارگران مدیریت را در صورت عدم اجرای خواسته‌هایشان - تهدید به اعتصاب می‌کنند.

در گزارشی از شرکت واحد آمده است "کم کاری با زهم به چشم می‌خورد و تعمیرات اتوبوسها هم بعلت نبود قطعات ضروری و هم بواسطه کم کاری کارگران دچار وقفه و رکود نسبی شده است"  
در گزارشی از پالایشگاه تهران آمده است کم کاری در تمام قسمت‌ها شدیداً به چشم می‌خورد، بجهت دست به کار نمی‌برند... در یکی از پالایشگاهها انجمن اسلامی کارگران را به انتخاب نماینده برای - فرستادن پیش وزیر دعوت می‌کنند اکثریت کارگران بجز ۳۳ نفر این انتخابات را فعلاً نه تحریم می‌کنند. کارگران بسدون توجه به انتخابات نا جمع کردن امضاء خودشان مستقلاناً نماینده‌ای انتخاب می‌کنند. دوپاسدار برای دستگیری جمع - کنندگان امضاء به یکی از قسمتها میروند کارگران یکی را جلوی پاسداران می‌بندند پاسداران عقب نشینی می‌کنند.

آبانماه - تحریم فروش بونج از طرف دهقانان و مقاومت یکپارچه آنان در مقابل دولت (مردم چه می‌گویند) نشریه کار  
آبانماه - مردم روستای خمیران (انزلی) انتخابات فرمایشی شورا را تحریم می‌کنند (کار ۱۳۹)

آذرماه - در رنگ تفریح در دبیرستان دخترانه آذر تعداد زیادی آزادانش آموزان در راه ورود دبیرستان تنگ هم می‌ایستند، وصف فشرده‌ای تشکیل می‌دهند. مدیر دبیرستان وضع را مشکوک می‌بیند از شاگردان می‌خواهد پراکنده شوند و می‌بینند که پشت آنها پرازا اعلامیه و شعار است - عصیان می‌شود و می‌گوید ما ملین آنرا معرفی کنید ما بعد از مدتی ۴۰ نفر آزادانش - آموزان خود را معرفی می‌کنند که همه ما بوده‌ایم."  
در مدرسه ولی الله نمرده‌اش آموزان یک کلاس شاگردی را که بخاطر بخش اعلامیه

قرار بوده توسط پاسداران بازداشت شود در میان خود می‌گیرند و از دستگیری وی جلوگیری می‌کنند.

در تشییع جنازه یک افسر ۱۰۰۰ نفر - جلوی مسجد جمع می‌شوند، پاسداران از پشت بلبندگوار مردم میخواهند "اللهم وا کبر، خمینی رهبر تجزه ۲۰ الی ۳۰ نفر بقیه ساکت می‌مانند، پاسدارین از چشمت با رتکاران دمیزند پس چرا ایستاده ای پاسدار بدهید یا گورتان را زکم کنید - انقلابها مردم ساکت و روانگه می‌کنند پاسدار میگوید - پاسدار بدهید یا اگر اینها شما بنید دستگیر می‌شود مردم همه متفرس می‌شوند یک نفر در حال رفتن میگوید - بروند گورتان را کم کنند برای کی و چه شما رسیدیم زور که نیست

۸/۲۵ - یافت آباد تهران - تاکسیران شهرداری ناحیه ۱۸ توسط پاسداران مستدر شهرداری چندین بار به کوهی طالقات و شهرک صاحب الزمان واقع در ضلع جاده یافت آباد حمله کرده است تا خانه‌ها تسی را که جدیداً ساخته شده غراب کند... بعد از خراب کردن چند خانه مردم محله کسوفی طالقانی متحداً به سوی ماشین‌های جیب شهرداری و پاسداران حمله کردند که پاسداران فرار نمودند. در پی این مساله اهالی به شهرداری ناحیه ۱۸ هجوم بردند و پاسدار "مرگ بر شهردار" خواستار بیرون آمدن وی شدند. شهردار از ترس بر آفتاب نشد، پاسداران وحشت زده به زحمت کشتان قول میدهند که شهردار را مجازات کنند و شهردار هم میگوید تقصیر من نیست شهرداری مرکز دستور داده است اما مردم فریب نمی‌خورند و خواستار خسارت میشوند، پاسداران با قول دادن خسارت وارده بر مردم راه می‌کنند.

او آخر آذرماه - برق استوم آتش گرفتار بود. بعد از مدتی پاسدارها آمدند مردم تنگ هم ایستاد بودند و نگاه میکردند بدون آنکه به پاسداران راه عبور بدهند حسابی بهم چسبیده بودند و راه نمی‌دادند بالاخره پاسدارها با زور راه را باز کردند، اولین سری ماشین‌های آتش نشانی پشت چراغ قرمز گیر کرده بود هر چه از پشت بلند گوفریا دمیزند در راه را باز کنند ما شینها اصلاً توجه نمی‌کردند. انگار همه به این طریق می‌خواستند به دولت دهن گچی کنند. آذرماه - در یکی از تعمیرگاههای واحد کارگران یکی از اعضای منفور انجمن اسلاد را شدیداً کتک می‌زنند، چند پاسدار به تعمیرگاه می‌آیند و می‌پرسند "چه کسی کتک زد؟" کارگران همگی با هم جواب میدهند "ما زدیم. ما از این شخص بدسار ما بدو را قبول نداریم" یکی از پاسداران خطاب به کارگران می‌گوید "ما نه از ما می‌گوید می‌ترسیم نه از خارج و نه از داخل فقط از شما کارگرها می‌ترسیم، شما فقط به فکر شکم هستید"

خیابان جی تهران - کسانی که در صف گوشت بودند اکثراً خرده بورژوازی فقیر بودند که درهای گلدان بر سر داشتند، چند نفر در مورد کیفیت گوشت صحبت می‌کردند. بعد از مدتی زنی گفت "اگر همه اعتراض کنند دیگه این وضع بیش نمیداد" یکی دیگر گفت "اگر یک نفر دهن در بیاید همه خفه می‌کنند و خودشان بجای پشتبانی، گوشت سفید در صفحه ۱۲

### بررسی اشکال مقاومت

### ومبارزه ..

بقیه از صفحه ۱۱

اشغال اورا با کمال میل می قاپند زن دیگری که کمی من نبود گفت "بخدا اگر امروز گوشت اشغال بدهند پس میدهم" اولی گفت "با یدهمه اینکارا بکنند شما پیشقدم شویدا هم دنیا لئون ساعت ۹ قصاب و ما مورکمیته آمدند در آن قرار قبلی زن بومی وقتی نوشتن رسید گوشت را پس داد و بعد از جرو بحث با قصاب بدون گوشت بیرون آمد. بقیه همه از او هواداری کردند و گفتند "اگر به همه گوشت خوب ندهی هیچکس گوشت نمیگیرد نمیگذا ریم به هیچکس دیگر هم بدهی" ایستادگی و مقاومت زنها باعث شد ما مورکمیته از قصاب بخواهیم گوشت خوب به همه بدهد. روز بعد کمیته روی شیشه قصابی اطلاعیه ای چسبانده بود که از این به بعد باید از همه قسمتهای گوشت به مشتریان داده شود

صف مرغ: طبق معمول صف مرغ ششسلوغ بود بعد از یک ربع فروش مرغ متوقف شد. ما مورکمیته گفت "مرغ تمام شده است زنها اعتراض کردند ما مورکمیته روی جرف خود ایستاد که مرغ نیست" یکی از زنها با قیافه رنجیده ای گفت "چطور زنها وقتی تلفن نشده بود مرغها تمام نشده بودند اما وقتی تلفن شد مرغها تمام شد" بعد از مدتی عده ای از زنها نا امید شدند و رفتند. اکثریت آنها که با قی ما نرسه بودند با وجود مخالفت فروشنده به مغازه هجوم بردند و تصدای از پشت صفازده در آورده بین خود تقسیم کردند.

صف مرغ: آذرمه - حدوده ۳۰۰ نفر از صف داخل صف بودند ما مورکمیته گفت "مرغ نداریم برگردید به خانه هایتان زنی در جوابش گفت "آن مرغهایی که برای - اقوامت پنهان کردی بیرون بیاور شما همه در دستید و حق ما را میخورید. اسم خودتان را هم پاسدا را انقلاب گذاشته اید از اینجا نمیرویم هر غلطی خواستید کنید یا مرغ بدهید یا ما تا شب اینجا می نشینیم" زن دیگری گفت "خانم. راست میگویید امروز کسی به خانه اش نروده همه اینجا - بمانند ما با بدیلاخره روزی به اینهاشان بدهیم یک من دوغ چقدر گره میدهد زنها همه تا شید کردند. ما مورکمیته شروع به فحاشی کرد اما زنها جلوی او ایستادند زن بیبری با عصبانیت میگفت "بدر سوخته - های از خدایی خیز، در ده های بی شرفه گوید پدران با این انقلابتان ، میگویند ما برای نان و گوشت انقلاب نکرده ایم در حالیکه چرا برای نان و گوشت انقلاب کرده ایم" و خطاب به زنها میگفت "اگر غیرت دارید به خانه تان نروید" همه اعتراض می کردند و زیم را به پا دفش گرفته بودند ما مورکمیته فراری می کند و زنها تا ساعت ۳ بعد از ظهر در جلوی دکان مرغ فروشی بست می نشینند.

۹/۱۶ - ساعت ۹ صبح است مردم از اینکه صف به جلوی می رود شدیداً "مترس هستند بعد از مدتی اعتراض یکدفعه بداخل مرغ فروشی هجوم می بردند و تصدیر و صدا بودند صدای کسی شنیده نمی شد. جرو بحث - بین ما مورکمیته و یکی از زنها با لگرفت زن می گفت "بديختان کردید برای هر

چیزی با بدکلی توهین گوش کنیم، من تا مرغ را نگیرم از اینجا نمیروم از تو روز - هیچکس هم نمی ترسم، از پس مردم ساکت ماندند شما هر کاری که میخواستید کرده اید" زنها از او حمایت کردند و همه گفتند تا مرغمان را نگیریم نمیرویم. - پاسدا از خشم مردم ترسید و از مغازه بیرون رفت مردم تریج خودشان صف تشکیل دادند و شروع به گرفتن مرغ کردند.

۸/۱۴ - رودسر - مینی بوس داران خط رودسر به روستاهای منطقه به دلیل نبودن روغن موتور اعتصاب می کنند ...  
۸/۲۵ - رودسر: کامیونداران رودسر از حمل برنج خودداری می کنند و دست اعتصاب می زنند فرما ندا رودسریا آوردن کامیونتهای دیگر اعتصاب را می کنند ... (کا و ۱۳۸)

با توجه به گزارشات متعددی که دریافت کرده ایم، میتوان گفت تحریم به طریقی گوناگون در مقطع کنونی گسترده ترین روش مبارزاتی است که اقشار و طبقات خلقی آذربایجان می گیرند. تحریم عینتگاهها و راهپیمایی ها، تحریم سخنرانی ها و مراسم نماز، تحریم و طرد جاسوسان انجمن اسلامی ها، تحریم بخشنامه های رژیم - (بخصوص در کارخانجات) تحریم ورزشی و سرود صیحاگی و بخصوص تحریم انتخابات فرمایشی، اما بهر صورت اقشار و طبقات مختلف در مبارزه از سطوح متفاوتی - برخوردارند، در شرایطیکه کارگران کم کاری و اعتصاب را در دستور قرار داده اند کارمندان تنها تحریم منفعل (یعنی شرکت در مراسم اما با خنده بوجرت زدن) را به تحریم فعال (شرکت نکردن ارتقاء داده اند. هر چند اعتصاب در کارخانجات هنوز پراکنده است اما کم کاری بسرعت روبه افزایش و گسترش می باشد.

حرکات مبارزاتی در این مقطع عموماً با خواست های اقتصادی - آنها گسترش جزئی - آغاز میشود، که با سرعتی قابل توجه ارتقاء می یابد و در مواردی نیز بسبب خواست های سیاسی تبدیل میگردد (کنه البته محدود است). انحلال انجمن اسلامی - جلوگیری از اخراج - آزادی زندانیان سیاسی، آنگونه که مجموع گزارشات ما نشان میدهد خواست هائی است که از - بردی بادی در میان توده ها برخوردار است (کارخانجات، ادارات و مدارس) اما در سطح اقشار و حتمکش شهری با توجه به موارد متعدد اعتراضات و حرکتهای توده ای که از صف ها گزارش میگردند، خلق بدی بادی رژیم و نهادهای فرمایشی از توزیع ما یحتاج - که میتوان دیدست گیری مستقل توزیع از سوی توده ها ارتقاء - باید در محور حرکات و تحمفات قرار دارد که میتوان این خواست را به نطفه ای جهت ایجاد تشکلهای توده ای در محلات بدل ساخت.

صفت مشخصه تمام حرکات خود انگیختگی و تداوم خود بخودی آنهاست. حرکات عمدتاً ناگهانی شروع میشوند، بی برنامه ادامه می یابند و در کوتاه مدت قطع میشوند. در این رابطه باید به دو مساله توجه کافی نمود اول عدم حضور فعال پیشرو که در تمامی این حرکات مبارزاتی (مادر این مورد در ارزیابی ذهنیات توده ها در آبان و آذر - ماه ۶۰ سخن گفته ایم) و دوم وضعیت عینی حاکم بر جامعه که بر اثر بحران اقتصادی

بقیه از صفحه ۱۲  
اهواز - ۶۰/۸/۲۸: رژیم های وهوی زیادی برای جلوگیری از احتکای و گران فروشی برای انداختن و انفا دار که با محکومین مبارزه میکنند ولی گران سرسام آورکالها در بازار خودشان هد عینی دروغ - گوئی رژیم می باشد. رژیم برای جلوگیری دروغین از افزایش سرسام آور قیمتتها فقط به بساطتها و رنگه دارها دستفروشتهای فشار وارد می کند و محکومین مکتبی آزادانه و فارغ البال با نفوذ در کمیته ها و ارگانها و نهادهای با اصطلاح انقلابی، به کار خویش ادامه می دهند. به نمونه ای از اقدامات رژیم برای جلوگیری از گران فروشی و دفاع از حق مردم!!؟ اشاره می کنیم: در روز ۲۵ اهواز منتظر تا کمی بودم، یکدفعه جلوسوی رژیم جاشی که چند روز دکان، بساط زبانی بهن کرده و از سیگار و سیبزی تا با قلابی پخته و آدامس و غیره می فروشنده شلوغ شد، در وسط شلوغی چشمم به پیکان نخودی رنگ بدون شماره خورد، پاسدا را بی باک گت در دست و لباس شخصی سفی می کردند مردم را از - ماشین دور کنند همینطور که جلوسوی رفتم چهره خشم آلود بیضی گرفته جوان هده، هده ساله ای را دیدم که با هیکنی ورزشیده دودستی در عقب پیکان را گرفته بود. - پاسدا را از همان در بیاید و شویقه او را گرفت و میگفت برو، و پسرک با بیاض می گفت سیگارها می را بدهید، به باغی خلی عقب حدوده جمعه، سیگار دیدم. دور ما شین را آدم گرفته بود و مردم با زرمه اعتراض می کردند. پسرک بقیه پاسدا را گرفت و

گفت این تمام زندگیمه، سیگارها هم را بدهید، پاسدا را دیگری آمد و با کمک اولی او را تا چندمتری دورتر از ما شین شدت کتک زدند و مرتب به او می گفتند بیرو گمشو می خواهی مردم را غارت کنی!! ...؟  
پسرک و لکن نبود، باز دنبال آنها آمد بقیه، یکی را گرفت و گفت سیگارها هم را بدهید، پاسدا رکلت را مقابل سینه او گرفت و گفت برو و لامی زتم. قیافه هده مردم بیهنوده و عصبی بود و پسرک را در حالیکه فحش میداد کتک را کشیدند و ما شین با ویراژی شنه پیچیدورفت.



وجود نیروی فراوان کار در بازار و در شرف تعطیل بودن بسیاری از کارخانجات اکثر حرکات کارگری با اخراج و پاسدگیری عده ای درهم می شکنند، برای مقابله با این وجه با بدی بادی توجه بسیاری را به صنایع و خدمات استراتژیک که دارای نقش حیاتی در سیستم جامعه هستند معطوف داشت و اعتصابات کارگران کارخانجاتی چون نفت، برق، مخابرات، حمل و نقل، راه آهن، صنایع دفاع، ... را سازمان داد. غالب اینجاست که توده ها خود به این امر بشکلی غریزی پی برده اند و این جمله مکرر شنیده میشود که "اگر نفت اعتصاب کنند کار تمام است" یا "اگر نفت اعتصاب کند بقیه هم می کنند" اما از سوی دیگر باید اشکال مبارزاتی کارگران را بسبب انتخاب و پاسد زما ندان "هیئت های تحقیق کارگری" و در تداوم آن اعمال "کنترل کارگری" در شرایطیکه سرمایه داران دست به تعطیل کارخانجات میزنند هدایت نمود.

# پیرامون شعار...

بقیه از صفحه ۲

پیروزی آن متحدینی چون دهقانان و خرده بورژوازی شهری دارد. از یکسو متحدین پرولتاریا، و از سوی دیگر وظایف پرولتاریا در این مرحله از انقلاب نشان میدهد که این انقلاب در وهله نخست نه یک انقلاب سوسیالیستی، بلکه یک انقلاب دمکراتیک محسوب میشود. اما اولاً انقلاب دمکراتیک ایران نه از نوع انقلابات دمکراتیک طراز کهن، بلکه از نوع انقلابات دمکراتیک طراز نویسن محسوب میشود یعنی پرولتاریا رهبری مبارزه را در دست دارد و همزمنی این طبقه برجسته اعمال میشود. ثانیاً ایران یک نومستمره است، که در آن به علت تسلط مناسبات سرمایه داری، به علت اینکه سرمایه داری و وابستگی به امپریالیسم دوجز، لاینفک محسوب میشود، و مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست، و بورژوازی در صف ضد انقلاب قرار دارد، نه در صف سرمایه داری تکامل - بلکه میان برزیدن بسنت سوسیالیسم تحت رهبری پرولتاریا دنبال میکند، و پیروزی انقلاب دمکراتیک تنها با گذار به سوسیالیسم میسر است. از اینرو انقلاب دمکراتیک ایران، یک انقلاب - دمکراتیک بوده است که در راهی ژرف آنرا از سوسیالیسم جدا نمی کند. انقلاب - دمکراتیک بوده ای یک مرحله گذار به سوسیالیسم است. بهرحال علی رغم این که در انقلاب ایران مبارزه علیه سرمایه داری از مبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست و وابستگی به امپریالیسم و سرمایه داری دوجز، لاینفک محسوب میشوند و انقلاب دمکراتیک بوده ای ایران راه رشد سرمایه داری را طی نخواهد کرد، و به

بورژوازی امکان رشد نخواهد داد و یک دره غیرقابل عبور میان این دو مرحله وجود ندارد، با این وجود این امر باعث نخواهد شد، که دو مرحله بهم پیوسته انقلاب که متعلق به یک پروسه واحد هستند، یکی دانسته شوند. مجموعه شرایط عینی و ذهنی به هیچ وجه در گام اول انقلاب سوسیالیستی زایل - دستور کار قرار نداد است. به اهل مطلب با زگردیم. در فرمولبندی علاوه بر مضمون طبقاتی دولتی که با بد مستقر شود، به شکل آن نیز اشراف می کند، شکل دولت، جمهوری دمکراتیک است، اما نه از نوع جمهوری های پارلمانی بورژوازی، نه از نوع دمکراسی های بورژوازی، بلکه از نوع کمون، جمهوری شوروی و دمکراسی های توده ایست. یعنی جمهوری که پس از درهم شکسته شدن ماشین دولت بورژوازی، در آن اعمال حاکمیت توده ها از طریق شوراها، کمونها، مجامع خلق و هرتشکل انقلابی بوده ای دیگر صورت خواهد گرفت. از همین روست که فرمولبندی در همان حال گسسته مضمون طبقاتی دولت را تعیین میکند، با تصریح برای این امر که جمهوری دمکراتیک کارگران و دهقانان پرشوراها و مسلح کارگران، دهقانان و دیگر تشکیلات انقلابی توده ای است یعنی این نشان میدهد که جمهوری دمکراتیک خلق نه از نوع دمکراسی های بورژوازی بلکه از نوع دمکراسی های نیست که اعمال حاکمیت مستقیم مردم از طریق شوراها یا دیگر تشکیلات انقلابی توده ای صورت خواهد گرفت. در این مقاله مجال پرداختن بیشتر به این موضوع را نداریم، تنها در این نوشته از یکسو ضرورت طرح این شعار را از سوی دیگر در یک چارچوب کلی معنا و مضمون آنرا مورد بررسی قرار دادیم و در آینده نیز با زهمه های مسئله خواهیم پرداخت و جنبه های مختلف آنرا مفصل تر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

# اعدام جنایتکارانه شکرالله پاکتژاد

شکرالله پاکتژاد یکی از انقلابیون گروه فلسطین بود که در سال ۱۳۴۸ توسط مزدوران شاه دستگیر شد و مدت ها در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها، شکنجه ها، مقاومت کرد. اما بدلیل فشار افکار عمومی در سطح جهان و دفاع قهرمانانه او در سیدادگاه های شاه که انگاسی جهانی بی بافت رژیم شاه نتوانست او را اعدام کند و به حبس محکوم شد و همزمان با قیام شکوهمند خلقهای ایران او به همراه سایر انقلابیون و با دست توانای خلق آوزفتان آزاد گردید. اما اینبار رژیم جنایتکار خمینی که گویا رسالت با انجام رساندن وظایف شاه را در سرکوب انقلابیون و مبارزه با همه بدگرفته است او را چندی پیش با زداشت کرده به جرم دفاع از مناقع خلق به جوعه اعدام سپرد. رژیم جمهوری اسلامی تصور می کند که با کشتار دست جمعی وبدون محاکمه انقلابیون قادر است از اوج گیری جنبش توده ای - جلوگیری نماید اما همچنان ننگه شاه و مزدورانش علیه مردم تمام جنایاتشان نتوانستند از خشم توده ها بگریزند خمینی و مزدورانش نیز با این اعمال جنایتکارانه قادر نیستند به حیات سنگین خود چند صبا حی بیفزایند و سرانجام با دست تواناسی خلق رزمنده ایران به گورستان تاریخ سپرده خواهند شد.

# با کمکهای مالی خود...

بقیه از صفحه ۱۲

تدارکات و امکانات مورد نیاز، مساله حفظ تشکیلات در شرایط نوین خود هزینه سرسام آوری پیش پا مینهد. مسائل امنیتی در چند ماه گذشته هزینه سازمان را به چند برابر افزایش داده است. سازمان در طی ماههای گذشته مجبور گشته است بارها برای جلوگیری از ضربات امکانات جدیدی را - با چند برابر قیمت - تدارک ببیند و با در بزر خورد به موارد مشکوک، تعقیب و مراقبت یا لورفتن امکاناتی چون خانه، ماشین، اثاث و حتی امکانات تکنیک و ... را رها کند. این مسائل به همراه برخی - ضربات وارده هزینه بسیاری را جهت تدارک بعدی طلب می کند. و این همه در شرایطی است که به علت برقراری اختناق و بنسود هرگونه امکان پیشبرد مبارزه علیه استبداد بسیاری از هواداران ما که کمکهای مالی قابل توجهی می نمودند با ماقط گشته است. چشم اندازی که پیش روی ما گسترده است، اعتدالی جنبش توده ای، رشد مبارزات خلق، لزوم شرکت وسیع در مبارزات مردم، سازماندهی خلق، حرکات گسترده تبلیغی، افزایش شیراز نشریات، بخش وسیع اعلامیه و تراکت ها، تدارکات نظامی، گسترش عملیات و ... همه و همه چشم اندازی از افزایش هر چه سریعتر مخارج و هزینه ها را نیز در مقابل ما قرار میدهد. تنها در نظر

حمل و نقل و توزیع چه سیری را طی میکنند چه مخارجی بر میآورد. آنگاه نیز به وظایف گسترده سازمان بیندیشید.

رفقا! هواداران! تدارک مالی برای سازمان را در دستور روز خود قرار دهید. بخشی از هزینه های روزانه، بخشی از حقوق و دستمزد شما در شرایط کنونی ممکن است نقشی تعیین کننده در جنبش ایفا کند. شبکه های توزیع دست به دست نشریه را همچنین به شبکه های تدارک مالی بیدل سازید. این کافی نیست از دوستان - آشنایان و فامیل - با رعایت مسائل امنیتی لازم - از تمامی کسانی که به جنبش انقلابی تمایلی دارند کمک های مالی جمع نماید. نظم و تداوم کمک های مالی که اثر بصورت درامدی مستمر در محیط گسترش هر چه بیشتر شبکه های تدارکات مالی متمركز نماید. در این میان رفقای هواداران سازمان در خارج از کشور و وظیفه سنگین تری بردوش دارند. رفقا! شما که تا کنون همواره - کمکهای مالی ارزنده ای به سازمان - نموده اید اینک با بیدگوشی ویژه ای در این جهت بکار بنشینید. رفقای مادر داخل کشور در عین محدودیت های بسیار و از جمله فشار اختناق و خفقان در جنگال فقر بیگاری و بی چیز همه گسترده که خلق را فراگرفته است سیرند. شما باید در شرایط فعلی با اختصاص یک سری برنامها و اعمال ویژه و تشکیلی ضربتی برای سازمان کمک مالی جمع آوری شما کنید. در این راه باید تمام تلاش خود را در کمکهای

یاری تمامی نیروهای انقلابی و محافل ترقیخواه جهانی بهره گیرید. هر چند وظایفی که بردوش سازمان مسا قرار دارد بسیار سنگین و گسترده است اما در مقابل کمین ما به خلق و عشق ما به خلق بسیار رقیب نمی نماید. این مشکل و صدها - مشکلی چون این زمانی که با دردور بخشی که خلق زحمتکش ما روزانه متحمل میشود، و باری که پرولتاریای قهرمان ما در زیر چرخ دنده های استعمار بردوش میکشد قیاس میشود بسیار کوچک، به نظر میرسد. رفقای ما در تمامی طول زندگی پرافتخار سازمان با چنین مشکلاتی دست به گریبان بوده اند. اما حتی گرسنگی، سرما و فقر قادر نبوده، ذره ای از کما روغالیست مدار و انقلابی - آنان بکا هد، هنوز مدتی طولانی از زمان نمی گذرد که رفقای ما با خطر تپیها مکاناسات از خانه ای لورفته شهید می شوند. اما بهسر روز سازمان همواره راه سرخ پرولتاریائی را پیهموده است و همواره پرچم ظفر نسون - آنرا برافراشته نگاه داشته و خواهد داشت. اینک نیز آنگاه که به پیروزی توده ها - می اندیشیم، آنگاه که به وسعت قهرمانی - های خلق فکرمی کنیم، میدانیم، ایمان داریم که تمامی مشکلات با اتکال به توده ها حل خواهند شد. میدانیم که طسرح مشکل مالی در سطح وسیعترین توده های ممکن از سوی سازمان خودجوشی عظیم در پی خواهد داشت.

برای اطمینان از رسیدن کمکهای مالی خود بدست سازمان آنها را با کد ارسال کنید.



### کمکهای مالی دریافت شده

الف	۵۳۲۵	۲۱۲۸	۳۱۲۸
ب	۲۰۰۱	۲۰۱۷۲	۶۳۴۱
ج	۲	۱۲۳۳	۵۲۵۵
د	۲۱۲۰	۶۰۲۲	۲۳۲۷
هـ	۲۷۷۷	۲۱۲۸	۵۰۰۰
و	۱۱۲۱	۲۳۶۶	۲۹۹
ز	۵۱۲۱	۲۵۵۵	۲۳۶۶
ح	۲۳۵۳	۲۵۵۵	۲۳۶۶
ط	۲۱۰۰	۱۳۵۵	۵۷۸۶
ی	۲۱۰۰	۲۹۳۸	۲۹۹
ک	۲۱۰۰	۱۰۳۹۱	۲۳۶۶
ل	۲۱۰۰	۱۰۴۲۵	۲۳۶۶
م	۲۱۰۰	۱۶۱۳	۲۳۶۶
ن	۲۱۰۰	۵۰۰	۲۳۶۶
س	۲۱۰۰	۵۱۳۰	۲۳۶۶
ص	۲۱۰۰	۲۰۲۵	۲۳۶۶
ض	۲۱۰۰	۶۳۰	۲۳۶۶
ط	۲۱۰۰	۱۶۰۰۰	۲۳۶۶
ی	۲۱۰۰	۳۰۲۰	۲۳۶۶
ک	۲۱۰۰	۳۰۲۱	۲۳۶۶
ل	۲۱۰۰	۱۰۵۲۵	۲۳۶۶
م	۲۱۰۰	۲۳۰۰	۲۳۶۶

امانت شمار رسید  
۸۸۸ کوپین  
۱۰ عدد  
بلوچ کوپین و پول  
ف - کوپین  
الف خرمنس کوپین  
بنزین ۱۵۰ لیتر  
انگشتی  
دی - ۲۲ - الله طلا  
بدون کد  
۱۸۸۲  
ج - ع  
۲۵۱ اسکندر  
۱۰۰ رفیق زندانی  
۴۰  
لنا  
صبا  
اصغر جزایری  
۵۰۰  
شوان  
۱۰۱۵  
توماج ب  
۱۰۰۰  
دانشی  
۱۰۰۰۰  
نشریه کار  
۱۲۰۰۰  
رفیق معلم  
۵۰۰۰  
قروه  
۱۱۱۷  
رفقای صحنه  
۱۳۱۳۱  
۱۳۰۰۰  
رفقای قاسمشهر  
سلطانپور  
۸۰۰  
ستاره کوپین  
۵ عدد  
رفقای ابهر  
دامون  
۱۵۷۲  
دامون  
۱۵۵۵  
رفقای ایده  
۲۰۰۰  
رفیق خسرو  
۱۲۰۰۰  
ه ستاره سرخ  
۱۶۰۰۰  
مفورا  
۳۰۰۰

### با کمکهای مالی خود سازمان را در پیشبرد اهداف انقلابی یاری رسانید

از هجده سال پیش که سازمان ما، از جنگلهای گیلان (سیاهکل) مبارزه مسلحانه را آغاز کرد، تا کنون همواره در جنبش انقلابی ایران نقش برجسته ای ایفا نموده است. سازمان در این مدت علیرغم تمامی ناهمواری راه، برچم سرخ - پرولتاریای ایران را بردوش خود استوار نگاه داشته و هرگز حتی ذره ای آنرا بر زمین ننهاده است. اینک نیز علیرغم تمامی ضعفهای حاکم برجستگ کمونیستی ایران، سازمان ما نقش ویژه ای را در جنبش انقلابی به خود اختصاص داده است. اینک سرنوشت کمونیست در ایران بشکل ناگسستنی و تنگاتنگی با سرنوشت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوند خورده است. اینک سازمان ما توانسته است خود را بشکل سازمانی سراسری تثبیت نماید. سازمانی گسترده در سراسر سینه دشت میهن. اما در شرایط کنونی، مشکلی کسسه همواره به نحای مختلف با آن دست به گریبان بوده ایم. مشکلی عمده سراز پیش رخ می نماید. با ایمان به اینکه تمامی مسائل و مشکلات سازمان و جنبش تنها با انگار، به وسیله ترین توده ها است که حل خواهد گشت به طرح این مشکل در ارگان سازمانی میپردازیم.

اکنون سازمان با مشکل مالی روبروست هر چند با راههای اشکال گوناگون این مشکل را در سطح جنبش طرح نموده ایم اما اینک این مسأله بیش از پیش طرح است. به صورتیکه حتی ممکن است - در مواردی نیز اتفاق افتاده - بر فعالیتهای سیاسی - سازمان تا شریات منفی و مخرب خود را بر جای نهد. در این مورد کمی بیشتر توضیح میدهم تا رفقا و هواداران سازمان بیشتر مشکلات را به شکل ملموس آن درک کنند. اینک پیشبرد تمامی وظایف انقلابی که بر دوش سازمان قرار دارد - و هر یک نقش حیاتی در سطح جنبش ایفا میکند - هزینه های هنگفتی می طلبد. فعالیت سراسری سازمان، برقراری وسیعترین ارتباطات، تهیه تدارکات آنچنان که بتوان این فعالیتها را از سازمان داد و به پیش برد، حمل و نقل، تبلیغ، پیشبرد جنگ انقلابی در کردستان، سازماندهی و جا بجایی نیروها، انتشارات و چاپ مرتب نشریه، تراکتها و اعلامیه ها و... همه و همه آنها در شرایطی اختیاری، هزینه های کلانی را بردوش ما میسازد. در نظریه و ریختن برگزاری مرتب جلسات سازمانی نیاز به چه میزان تدارکات دارد و مخارج آن تا همانند زه خا هدیبود.

از سوی دیگر یورش گسترده همه جانبه رژیم، حملات و حسیانه ارتجاع و برقراری سیاهترین دیکتاتور و اختناق در سطح جامعه، ولزوم مقابله با آن حاشائیکه جدیدی را پیش روی نهادده است. به علاوه برای آزوده شدن مبالغ هنگفتی بر قیمت

بقیه در صفحه ۱۳

ا بزر	۱۰۰۰۰	رفقای تبریز	۲۲۲۲
عقد	۱۶۰۰	ش	۵۰۰۵
استقلال	۱۷۰	ک	۲۰۰۰
کارگر	۱۰۰	ج	۲۵۰۰
کمر	۱۵۰	ب	۲۵۰۰
معلم	۱۰۰۰	د	۲۵۰۰
رفقای شیراز	۱۰۱۲۵	هـ	۲۵۰۰
رفقای بوشهر	۲۱۲۸	و	۲۵۰۰
هستار رفیق براهیم	۲۳۶۶	ز	۲۵۰۰
شریفی	۷۷۰۰	ح	۲۵۰۰
دانشموزان	۲۰۰۰	ط	۲۵۰۰
هوادار	۲۰۰۰	ی	۲۵۰۰
رفقای بوشهر	۲۰۰۰۰	ک	۲۵۰۰
رفقای اصفهان	۲۲۲۲	ل	۲۵۰۰
م	۵۵۵۵	م	۲۵۰۰
د	۵۵۵۵	ن	۲۵۰۰
س	۱۱۱۱	س	۲۵۰۰
م	۲۲۲۲	ص	۲۵۰۰
ع	۵۰۰	ض	۲۵۰۰
ع	۶۶۶۶	ط	۲۵۰۰
ع	۶۶۶۶	ی	۲۵۰۰
ب	۱۰۰۰	ک	۲۵۰۰
بیزن مجنون	۱۰۰۰	ل	۲۵۰۰
باپوزش از رفقای	۱۰۰۰۰	م	۲۵۰۰
خرمآباد دکه کدهای	۱۵۰۰	ن	۲۵۰۰
آنها به همراه سایر	۲۰۰۰	س	۲۵۰۰
کدهای لرستان	۱۰۰۰	ص	۲۵۰۰
بجای نرسید	۸۲۲	ط	۲۵۰۰
ش	۵۲۲۲	ی	۲۵۰۰
ف	۲۹۹۹	ک	۲۵۰۰
م	۱۰۰۰	ل	۲۵۰۰
اسکندر	۱۰۰۰	م	۲۵۰۰
سیا مک	۵۲۵	ن	۲۵۰۰
ن	۱۸۲۵	س	۲۵۰۰
پویان	۲۵۰۰	ص	۲۵۰۰
رفقای گیلان	۲۵۰۰	ط	۲۵۰۰
لاهیجان	۲۵۰۰	ی	۲۵۰۰
مستی دانش	۲۵۰۰	ک	۲۵۰۰
هکمتی	۴۰۰	ل	۲۵۰۰
ل - ل	۵۱۱	م	۲۵۰۰
علا کوشالی	۵۰۰	ن	۲۵۰۰
حجت محسنی کبیر	۲۵۰۰	س	۲۵۰۰
س - س	۱۳۳۳	ص	۲۵۰۰
طنگرود	۲۵۰۰	ط	۲۵۰۰
هدیه یک مادر	۵۰۰۰	ی	۲۵۰۰
رفقای طنگرود	۶۵۰۰	ک	۲۵۰۰
کل لاله هدیه	۶۵۰۰	ل	۲۵۰۰
بک رفیقاز	۱۷۱۱	م	۲۵۰۰
زندان	۲۵۰	ن	۲۵۰۰
سیاهکل	۲۵۰	س	۲۵۰۰
فومن فرحناز	۵۱۱۱	ص	۲۵۰۰
حسن دوخت	۲۱۲۲	ط	۲۵۰۰
ف	۶۰۰	ی	۲۵۰۰
ک حمید اشرف	۲۲۰۰	ک	۲۵۰۰
دهقان	۲۰۰۰	ل	۲۵۰۰
سیا مک سدیان	۱۰۰۰	م	۲۵۰۰
س	۲۵۰۰	ن	۲۵۰۰
ب کوپین بنزین	۵۰۱۳	س	۲۵۰۰
الف	۵۰۱۳	ص	۲۵۰۰



### سوانحجام خمینی

جمعی به جوخه های اعدا م سپرده شدند ، ناچار شد با این جنایات هولناک اعتراف نماید . او در سخنانی که در روز چهارشنبه در حضور سران رژیم به میان می آید هفت هفت و حدت با - ارتجاعی ترین رهبران مذهب هادی داغلی و منتقد صورت گرفت گفت :

"..... در ایران هم این ضاله کسه می بینید در همه جا برای ما مطرح می شود که اینها آدم می کشند اینها خیال می کنند ایران آدم میکشد ، ایران تا امروز یک دانه آدم را نکشته است ، ایران یک سیاسی را که حمله کردند در همه چیز اسلام ، ملت ، انسانیت ، اینها را اگر بتوانند تهذیب میکنند و اگر بتوانند به حسن اینها را نگه میدارند تا تهذیب شود و اگر نتوانند تصفیه می کنند این کاری است که همه انبیا از اول خلقت تا بحال کرده اند..... کیهان پنجمین ۲۴ دیماه ۶۰ .

اعتراف به کشتاری این چنین آنهم در شرایطی که سواشی سیاستهای سرکوب گرانه و فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی میبود تا دولت ایران را در دردیف کشوری موجود در لیست سیاه همچون افریقای - جنوبی و سراسیل قرار دهد ، شاید مسئله چندان دور از ذهن نباشد ، زیرا که پنهان

کردن این جنایات بیش از این مقصود نیست ، اما توجه و قیاحتها این اعمال ، عمق بیشتری می بخشد و مزدورانش را به نمایش می گذارد ، او همچون شما سیاسی دیکتاتورهای تاریخ ، هر آنکس را که مخالف سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم است ، اساساً آدم به حساب نمیاورد و تنها مثنی نادم و مزدور را که در زیر شکنجه ها ضربیه هکارتی با رژیم چنان بکارش شده اند و با ملاحظ "تهدیب گشته اند مستوجب زنده ماندن و اعطای حق حیات می دانند .

اوسهترین فرزندان خلق را که بمقابله با سیاستهای ارتجاعی رژیم برخاسته اند مستوجب مرگ میدانند ، کارگرانی را که در مقابل اجاق های رژیم به مبارزه برخاسته - اند و با خاناتی را که خواستار خلق بد از زمینداران میباشند ، سوسیالیست می نامند و او را سوسیالیست می نامند ، هرگونه مخالفی با رژیم را - سوسیالیست قلمداد می کند ، اگر شا و جیره خوارانشش انقلابیون را خرابکار و تروریست می نامند ، خمینی با فراتر نهدند و هر آنکس را که - مخالف رژیم باشد آدم به حساب نمی آید ، بی جهت نبود که در آستانه خلع با خلق زوال هویز آمریکا بی پس از مذاکره با بهشتی به حاکمیت خمینی و دیگر چنان بکنساران تن داد ، آیا حاکمیتی فاشیستی تراز - حاکمیت کنونی می توانست سرکار آید که این چنین در پاشی از خون برآورد ، و بهترین جوانان میهن را بجرم دفاع از

منافع خلق ، چنین بخون کشد . اما واقعیتی نیز در پس کلیه توهمات خمینی و اعمال و ارتزواهای چنانکارانه اش وجود دارد ، آن اینکه خلق قهرمان ایران بگونه ای ملموس ما هیت چنان بتکارانی چون خمینی ، و کلیه مزدورانش را هر چند با برداشت بهائی گزاف یعنی از دست دادن چندین هزار از بهترین فرزندان شباز - شناخت ، و دیر نیست که دیکتاتورهای چون خمینی در پنجه انتقام خلق گرفتار آیدند و به زباله های تاریخ سپرده شوند .

اگر چه ما هیت حکومتی های مذهبی بسیاری آندسته از خلقیائی که بطور ملموس با آن مواجه بودند نقش ریاکارانه خود را همیشه آشکار کرده بود ، اما تجربه کنونی رژیم ایران بیکبار دیگر به کلیه توده های تحت تسلیم نشان داد که چگونه دولتهای مذهبی تحت پوشش مذهب و با استفاده از احساسات توده ها ، منافع استثمارگران را حفظ و حراست می نمایند و توده های زحمتکش را با صدورفتاوی متعدد به فرما نبرداری و آدا رومی زنده و هنگامیکه مردم و با لاشی خیر و های آگاه تسلیم تر فندهای آنان نمی شوند به قهر و سرکوب متوسل میشوند . اینگونه حکومتها گرچه ممکنست بدلیل - اتکاء به اعتقادات توده ها تا مدتی دوام آورند اما از آنجا که مکتب پیوسته توده ها هستند با درهم شکستن این توهم تا بودی آنان نیز فرامیرسد .

### اقدامات جدید وزارت کار

#### گامی در جهت نابودی...

بقیه از صفحه ۱۵

است ، که پس از ۳۰ خرداد دینز گسترش یافته است . متناصب با این اشکال مبارزه ، تشکل های علیی کارگران (شوراها در کارخانه و سندیکاها در صنوف) بتا نسبل خود را در هدایت مبارزاتی کارگران از دست داده و تشکل های مخفی توده کارگر برجستگی یافته اند ، بطور مثال ما از مدت ها پیش - شا هدیم که در مقابل اخراج کارگران - شوراها که زمانی برچیدار مبارزه برای بازگرداندن و حمایت از آنها بودند به تدریج کناره رفته و کمیته های مخفی حمایت از کارگران اخراجی بوجود می آید ، نتیجتاً هر چه فضای دیکتاتوری بیشتر بر جا می آید ، تشکل ها کمتری میگردند تشکل های علیی نیز تقویت کمتری در پیشبرد مبارزات کارگران پیدا می کنند ، اما اینکه در شرایط کنونی این نقش به حد ضرر رسیده باشد ، هنوز با تصور نیست ، بتا بر این پاسخ به این سؤال که کارگران بیشتر و در استفاده از تشکل های - علیی و مخفی برای سازماندهی توده کارگر چگونه باید برخورد کنند ، روشن است ، در - شرایط کنونی سازماندهی مخفی توده - کارگر عمده و تشکل های علیی بطور فرعی باید مورد استفاده قرار گیرند ، در باره کمیته های مخفی کارخانه همچنانکه تا کنون بارها سخن گفته ایم در آینده نیز به اهداف نهائی و وظایف فوری آن خواهیم پرداخت .

اما آنچه در اینجا لازم است مورد توجه قرار گیرد اینست که فرعی شدن نقش تشکل های شورا ای در پیشبرد مبارزه به معنی انقراض تشکل ها نخواهد بود ، اگر وظیفه بیشتر و در رابطه با شورا های کارخانه

تا پیش از ۳۰ خرداد ، و آموزش عربیان و گسترده رژیم علیه انقلاب ، تبلیغ و ترویج و عملی نمودن کنترل کارگری یا نظارت و دخالت در تمام امور جاری در کارخانه بود ، پس از وقایع ۳۰ خرداد در شرایط کنونی - دفاع از بقایای شورا های مترقی موجود و جلوگیری از نابودی کامل آنهاست .

اینک کارگران بیشتر و موظفند با تبلیغ و توضیح ایده های اساسی شورا و افشای شورا های فرمایشی ، مانع از زمین رفتن با رواج ذهنیت منفی نسبت به شوراها بطور کلی گردند ، با ایده کارگران توضیح داد چرا شورا های سیاسی و بقایای شورا های مترقی را نباید بحال خودرها نمود تا زیر فشار اختناق و سرکوب دو رژیمان رژیم زمین بروند و با لاشی با تبلیغ گسترده در افشای ما هیت اقدامات اخیر وزارت کار ، با ایده مانع تحقق اهداف آنها شد ، نباید بدلیل عمده بودن تشکل های مخفی توده کارگر ، اجازه داد تشکل های علیی نابود گردند ، توجه داشته باشید از بین رفتن کامل شوراها قدرت رژیم را برای سرکوب کمیته های مخفی کارگران نیز متمرکزتر می نماید ، با تهیه شعارها و تراکت های کم حجم از روی این نوشته ما هیت حرکت اخیر و اهداف آتی وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی را برای توده کارگران افشاء کنید ، همه کارگران باید به این مسئله پی ببرند .

در تشکیل مجمع عمومی کارگران و زمان منظم آن بکوشید ، این مجمع ها باید بدادگامی برای بازخواست نمایندگان شورا تبدیل شود ، برای تمویض نمایندگان مورد تنفر کارگران و فرستادن نمایندگان واقعی بدون شوراها تلاش کنید ، شوراها با اراده کارگران ایجاد شدند ، از بطن انقلاب رویشند و برای ادامه انقلاب ، کارگران به آن نیاز دارند .

رقمضای کارگر - توجدها داشته باشید که اساس حرکات اخیر

وزارت کار در چهره رابطه است : سرمایه "نظم" می طلبد ، و آنگاه کسه "نظم" جا ممد در اشبحرانهای اقتصادی و سیاسی بهم ریخت ، سرمایه به بضر می افتد . دولتهای بورژوازی در معرض سقوط قرار می گیرند و توده ها نظم مورد نظر خود را برای حل بحرانها ارائه می دهند .

بورژوازی بدست و پا می افتد ، بهر نحو شده می کوشد تا "امنیت سرمایه" را تا مین کند فرم با سرکوب دوشیوها بست که با بدامنیت را ایجاد کنند و آنگاه که بورژوازی با فرم قادر به انجام این کار نیست ، سرمایه خون می طلبد !

ادامه استعمار بدون سرکوب میسر نمی گردد ، بتا بر این زندانها از انقلابیون لسریز می شوند ، جوخه های اعدا مشا نه روزی انجام وظیفه می کنند ، کودکان و پیران و زنان حامله تیرباران می گردند ، سنگفرش - خبا یا نه از خون انقلابیون رنگین میگردند ، تظاهرات کارگران به گلوله بسته میشود ، دسته دسته از کارگران ، پیشروا خراج و پا زندانی میگردند ، بیشتر و ترین آنها با به جوخه های اعدا سپرده میشوند و با ترور خبا یا نی به شهادت می رسند ، کانونهای ضد انقلابی درون کارخانجات قدرت می گیرند ، ارگانهای اعمال اراده کارگران شوراها و سندیکا های انقلابی شدیداً مورد بورش قرار گرفته ... و با لاشی بورژوازی می کوشد تا با سرکوبها و از بین بردن آخرین بقایای نظم توده ها ، امنیت سرمایه را تضمین ، و راه ادامه استعمار را هموار ، و گرمیان خود را بزحران های موجود نجات دهد ، این است هدف فاشی بیش از ۶ ماه حاکمیت تروریسم آشکار و بیست - آن قانومندی که به خوبی حرکات اخیر - ارگانهای مختلف رژیم از جمله وزارت کار را افشاء می نماید .

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# اخبار شهرستانها

مغالفا و میگویند جنبشی را سپاه قسم دستگیر کرده است موافقان میگویند سپاه سترگه با او در تضاد های عمیق بوده است اینکار را کرده است ولی منتظری مجدداً او را تاشید کرده و قرا را ست با زگرده و امام جمعه سترگه شود.

ارومیه - ۶۰/۹/۲۵: بودعوت انجمن اسلامی دانشجوین دانشگاه ارومیه جهت برگزاری مراسم سالگرد به اصطلاح شهادت مفتوح، علیزغم تلاشهای مداوم این انجمن و اعلام آن از طریق رادیو و تلویزیون و دعوت مردم از طریق بخش تراکتها در سطح وسیع در شهر، فقط ۷ نفر شرکت کرده بودند از اینرو برای جلوگیری از انتشار این افتتاح، رئیس دانشگاه تمام کارکنان دانشگاه را بدون استثناء به تعطیل کار و شرکت در این مراسم فراخواند. رئیس سابق دانشگاه (دکتر فرهودی) ضمن سخنرانی خود به مقایسه اسلام با مسیحیت - برداشت و بطور مستقیم به اقلیت های مذهبی اهانست نمود سه تن از خانمهای مسیحی برای اعتراض به این واقعه گواهی های دکتر فرهودی سالن را ترک کردند.

مراسم - ۶۰/۹/۱۸: در شرایطی که رژیم ادعا می کند اقدام ها را قطع نموده، و شکنجه وجود ندارد، هفته گذشته دادگاه انقلاب ۵ تن از اعضای و هواداران مجاهدین خلق را محکوم به اعدام نمود و پس از اجرای حکم جسد آنها را به سردخانه فرستاد و خورشید بر روی جسد آنها نشان اطلاع داده بود که بهیچ وجه از برداشت پسران گلوله های شلیک شده به این فرزندان خلق جسد آنها را تحویل نگیرند. همگی اعدام شدگان شدت شکنجه شده و عده ای دست و پایشان شکسته بود. همگی اعدام شدگان اهل بنا بودند.

## اخبار تهران

تهران - از تمام قهوهچی ها بعنوان شرکت تعاونی نفی دوهزار تومان گرفته اند. بدون اینکه چنین شرکت تعاونی وجهی داشته باشد. و در مقابل - اعتراض بعضی از قهوهچی ها که گفته اند ما این مقدار پول نداریم آنها را تهدید به اخراج از اتحادیه کرده و در نتیجه سهمیه قند و شکرشان قطع میشود.

دریک ساندویچ فروشی چهار نفر که برای جمع آوری کمک به رزمندگان اسلام آرد شده بودند ساندویچ فروشی به آنها میگوید ما برای نفی به مسجد امام و مسجد پاسداری که همراه آن جمع بود و مسیحت سرپرستی داشت گفت این مسئله به نفی استیاضی ندارد و ما برای جمع آوری کمک آمده ایم البته اجباری نیست فقط اگر خواستی کمک کنی بیشتر از صد تومان باشد ساندویچ فروش پس از مدتی با آنها کردند با شریکی صحبت کرد و با لاف و مدعیان سه تومان با آنها داد. آنها گفتند اجباری نیست ولی ما قیض پنجاه تومان می نداریم و ساندویچ فروش مجبور شد پنجاه تومان دیگر هم بدهد.

ابهتر - ۶۰/۱۰/۶: در ابهر یک ساختمان قدیمی جزو آثار باستانی هست به نام شاهزاده کبیر، چند روز پیش یک روستایی می آید و به بهانه نذر کردن آنجا بقیه در صفحه ۱۷

این رژیم را مردمی تشخیص میدادیم و برای آن جاسوسی میکردیم و این در - قاموس هیچکس عیب و عاری نیست و نمی توانند شمارا به این جرم اذیت و آزار کنند!! و سپس اضافه می کند در اوقات بیکاری بسا بسنج و وسایع همگامی کنید تا مورد توجه دولت باشید، اگر میل دارید بدینست نام کنید و به همه اعزام شوید....

مشکین شهر - ۶۰/۹/۱۵: از تبلیغ علیه شریعتتداری بوسیله هواداران - خمینی کاسته شده است. علت این امر توصیه خمینی از سخنرانیها پیش بوده که از تلویزیون پخش شده، در این رابطه تعدادی از شعاریهای مرکز - شریعتمداری نیز از روی دیوارها پاک شده است.

۶۰/۹/۱۵: قرار است یک دوره مسابقات فوتبال بطور مسابقه بین محلات مشکین شهر شروع شود. برخی از جوانان شرکت کننده خواهان انتخاب اسامی ترکی برای تیم - هایشان هستند لیکن این کار با مخالفت دست اندرکاران تربیت بدنی و آموزش و پرورش روبرو شده است. پاسداران گفته اند اگر اسامی ترکی روی پیراهن تیمی نوشته شود علاوه بر آنکه آن تیم را مسابقات محروم خواهد شد، تمام اعضای آن تیم را نیز دستگیر خواهد نمود. چون سال قبل در این مسابقات به هنگام تشویق هر تیم و شعارهای ترکی از قبیل "یا شایم یا شاز" و یا شایم ساوالان میدادند که به زعم پاسداران نظم را بهم میزد.

کرمانشاه - ۶۰/۹/۱۲: روز ۱۴ و ۱۵ آذر که کارآموزان بهیاری به بیمارستان امام خمینی ۲۰۰۰ تخت خوابی برای کارآموزی رفته بودند در بیمارستان ۲ نفر از زندانیان دیزل آبی در آورده بودند که یکی از آنها هوادار مجاهدین بود و دیگری مردی حدود ۳۹ ساله به جرم داشتن کتاب پرتوی از قرآن طالقانی دستگیر شده بود. بعد از چند روز که همسرش فسوق به ملاقاتش میروید پاسداران تذکر میدهند که او کلیه هایش با راحت است در غذایش نمک تریزید، پاسداران هم ظاهراً می پذیرند ولی برای به حرف آوردن او نمک زیاد در غذایش ریختند و حتی گاهی مشت مشت نمک بدهانش می ریختند در نتیجه شکم وی به طرز وحشتناکی بزرگ شده بطوریکه برای حرکت دادنش مجبور بودند کمک بگیرند و با لاف و حضور به ستری نمودن وی در بیمارستان شدند. در روز ۱۶/۹/۶۰ این شخص که نامش خاوران بود در گذشت.

کرمانشاه - ۶۰/۹/۲۲: جنبش قبل از ماه محرم از طرف دفتر ایات الله منتظری شفاهی به نام حجت الاسلام جنبشی به امامت جماعت شهر منسوب میشود. با ورود و درگیریهای لفظی طرفداران او و نماینده سترگه در مجلس (حاج آقا رحیمی) مورت میگردد. مخالفان حاج رحیمی او را مدافع سازبها و حاجبها و تعارض میدادند. دوروز پیش خبر دستگیری جنبشی در شهر پخش شد. اعضای انجمن اسلامی با خبر شده بودند و سلسله نمی خواستند آنرا علناً بازگو کنند. گفته میشود جنبشی فعلاً در زندان قم است.

بندار انزلی - بدستال رهنمود سازمان مسنی بر تشکیل کمیته های - مقاومت برای سازماندهی مبارزات - توده ها، کمیته مقاومت محلات در انزلی تشکیل شده، این کمیته مقاومت بخش - از پیشروترین اهالی محل را در خود - متشکل نموده و اولین نمود و ولی - اعلامیه خود را نیز در سطحی وسیع پخش - نموده اند.

عنوان اعلامیه و بخشی از مطالب اعلامیه رادربزرگ و ریم: "باند های سیاه موسوم به حزب الله را افشاء و طرد کنیم"

... میهن ما لحظاتی سرنوشت سازی را می گذراند. گرانی و بیکاری، فقر و گرسنگی سیداد میکند. بیش از دو میلیون آواره - جنگی در بدترین شرایط ... بسر میبرند، هزاران تن از آنها کترین فرزندان خلق در زیر شکنجه های رژیم ... بسر میبرند و این در حالی است که رژیم ضد انقلابی ... (توسط) با زدهای سیاه موسوم به حزب الله چگونه به جان و مال و حیثیت مردم زحمتکش تجاوز می کنند. در شرایط کنونی شناسائی، افشاء و ضربه زدن به باند های سیاه، یکی از وظایف انقلابی است ... کمیته مقاومت محل می براین دارد که در هر اعلامیه - اسامی چند تن از مجرمان و آشوبگران آشوبگر برای ملت افشاء و رهنمودهای لازم در این مورد ارائه دهد ... تا بوی دست و پا های باند های سیاه حزب الله علیه مردم - زحمتکش و نیروهای انقلابی ... کمیته مقاومت محلات

غزیه سان - ۶۰/۹/۱۳: در بیمارستان غزیه سان حدوداً ساعت ۷ بعد از ظهر دکه دار های زحمتکش که ۱۵-۲۰ نفر میباشند، به چهارم ای خشکین اقدام به جمع آوری دکه های خود کردند. دکه دارها هر یک بدنیا ل جانی می گفتند که نه دکه های خود را در آن پنهان کنند. در یک طرف گروهی از مردم و جوانان جمع شده بودند و صحبت درباره جمع آوری دکه ها و بیکاری دکه داران مشغول بودند. جوانی میگفت: "بی شرفها آخر اینها چکار کنند؟! او که از شدت خشم سرخ شده بود می گفت: کار که ایچا دنیسی کنند، دکه دارها را هم بیکار می کنند حداقل یک یا از رجه برای مادر نظر بگیرند. مرد تقریباً "محنی گفت: اگر با ز رجه هم ایچا دکنند تنها در بیرون شهر خواهد بود و شما باید در بیابان کاسی کنید. دکه داران نفرت و خشم شدیدی نسبت به اقدام رژیم بر زمین نمودن ولی به علت نداشتن شکل و رهبری بدون مقاومت دکه های خود را جمع کردند.

رودس - ۶۰/۹/۱۲: در جلسه ای که با حضور کلیه کارگزاران چندین شهرو - فرماندار تشکیل گردید فرماندار رسمی فراوان نمود که کمیته راه عنوان - حا کمیته مردمی بقبولاند. او در سخنانش میگفت: که این رژیم جدا قل تا ۴ نسل باقی خواهد ماند پس شما سیرکارهای خودتان را با این رژیم هماهنگ کنید. اگر در حاشی ضد انقلابی هست معرفی کنید و گرنه شما را به حرم جنتی ما ضدا انقلاب دستگیر می کنیم. اگر می بینید گاه کسی پاسداری یا یک نفر سنا فقی درگیری دارد حاشی با سدارها را بگیرند تا روح و شرف شما زیا دشود!! و در آخر می گوید: اگر این رژیم عوض شود به جای آن رژیم دیگری آمد و خواست شما را محاکمه کند شما می توانستید در دفاعیات خود گوئید که ما

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# اخبار شهرستانها

واسفیدکاری می‌کنند و پس از اتمام کارش آنجا را مصادره کرده وزن و بجهت آنرا آنجا می‌آورد و در مقابل اعطای شهرداری نیز می‌گوید بدم خانه میدهد تا اینجا را تخلیه کند.

**کلنیبر** - هواداران سازمان در کلنیبر در رابطه با مسابقات ورودی تربیت معلم از طریق اعلامیه‌ای دست به افشای سیاست های رژیم زدند. در این اعلامیه آمده است: "دوره ۶۰/۹/۱۹، مدافسان را به اطلاع انقلاب فرهنگی لیست قبول شدگان دانشجوین تربیت معلم در روزنامه‌ها منتشر کردند... رژیم قبول شدگان را از غنا صربی تفاوت و حزب الهی اعلام کرده ولی این برنامه و عمل آموزشی رژیم در قبول دانشجوین انقلابی، منکران را در مبارزات دانشجوئی کشورمان مستحکمتر نموده مستحکمتر با دستگیر مبارزه مقاومت دانشجوین انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی."

**قائم شهر** - در غروسی بین دو خانواده شروتی و مندقانی شهر (پسنگ آزاد) که در دو پهلوی اختمی شان دریا بلسر برگزار گردید علاوه بر پذیرا شدن با انواع مشروبات و شرکت ارکسترها خوانندگی ماژیکار، پاسداران در اطراف ویلا گشت میدادند که کسی مزاحم آنها نشود.

**آمل** - تا جبران برخی آمل که سهم امام خود را به آیت الله جوادی میدادند با کمک جوادی توانستند برنجهای خود را به تهران بیاورند و به قیمت گران بفروشند و استفاده های کلان ببرند.

**خمین** - هفته اول دیماه در اشرف گسترش نا رضایتیها و اعتراض پیداها میا مردم خمین به بیابان ریختند یک آغوشند هم همراه آنان بود. این عده در مسجد جمع شده بودند که مسجدا از طرف سپاه معا صبره میشود. با زاریان به حمایت از مردم با زار را تعطیل می‌کنند. این جریان ۲-۳ روز ادامه داشت تا با دستگیری دانشان انقلاب و حاکم شرع و یکی از آغوشهای معروف که خواست مردم بود اعتراض موقتا پایان گرفت.

**خوزستان** - آذرماه - در دو ماهه آبان و آذر حدود ۴۰ نفر از کارکنان مخاصرات خوزستان اخراج و تخطئه شده اند. باستانه تمادان گشت شامی که به آنها ما اعتیاد فساد و وابستگی به ما و اکسا یزین افراد مترقی و انقلابی بودند که غلبت در جهت مبارزه با رژیم شاه فعال بوده اند. از میماه - دیماه ۶۰ - هواداران سازمان در ارومیه طی اعلامیه‌ای افشاگونه و توضیحی اعداها و کشتارهای رژیم را محکوم و مردم را به مبارزه بر علیه سیاست سرکوب رژیم دعوت نمودند. رفقا در این اعلامیه گفته اند:

"قریب سه سال از عمر زندگی و حنا بیکتکار رژیم جمهوری اسلامی میگذرد. در طول این مدت سردمداران بقدرت خزیده رژیم تنها کوچکترین گامی در جهت رفاه و آسایش و منافع شما مردم زحمتکش برداشته اند..."

**مردم مبارزان ارومیه!** رژیم جمهوری اسلامی اینک با بحران عمیق اقتصادی و سیاسی دست به گریبان است. از نظر اقتصاد دیروز بیشتر از روز قبل در مانده - ترمیشود. از اینرو با رستگین این بحران و ببرد و تکرار و دهقانان و با بلسر زحمتگان منتقل می‌نماید... و برای نجات خود را می‌جسورکوب و کشتار و جنایت نمی‌نماید. هر روز دسته دست از بهترین فرزندان خلق ما را در زندانها

بیا نگر سوانی و زبونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است. زیرا می‌بینیم که چه گونه افراد خود فروخته‌ای که در مقابل -

ستگرنهای رژیم نظامی و ارتجاعی ضیاء الحق بر خلق خویش دم فرو بسته اند و کوچکترین اعتراضی نمی‌کنند. ما فرزند بنام خود "وبا پولی که حاصل دسترنج زحمتگان ایران است رسالت اسلامی خود را بجا آورده و به نفع جنایتها رژیم هورا بگشت. سیاستهای ضد امپریالیستی و مترقی حکومتها و انقلابی خود بهترین منبع و مروج آن می‌باشد. و توده های آگاه و زحمتکش ما دقتترین مبلغ آن این رژیمهای ارتجاعی و جنایت پیمانه همچون رژیم جمهوری اسلامی هستند که به کمک روزنامه‌های پاکبتانی و ضدی و... و با دادن گروه به نیروهای ارتجاعی، نبل به اهداف ناپسند خود را عملی می‌نمایند. اما از این خیال باطل:

خبریات نصاب از همه در کیمه اما م جمعه ۱۱  
نقل از خروش شماره ۱۰

**چند هفته پیش** بعد از اتمام نماز و هجرت شکر جمعه در سرستان معده ای با نذار و حزب الهی شروع به جمع آوری پول از نمازگزاران می‌کنند و در جواب سوال مردم زحمتکش که این پول برای چیست؟ جواب میدهند که این پول جهت خرید مساجد مورد لزوم اما جمعه میاید. هفته بعد وقتی که مردم سرستان اما جمعه را در پیگان - می‌بینند متوجه میشوند که از دسترنج آنان برای اما جمعه بیگان خریدها شد.

**آغا جباری** - ۶۰/۹/۱۱: "پخش اعلامیه از لایقای چکمه‌ها و از فرار سرنیزه‌ها و تبلیغاتی پاسداران

در اطراف دو مدرسه شهر یکی راه‌شایی و دیگری دبیرستان غلفه بود. ساعت حدود ۲ صبح بود و موقع رفتن به کلاس دانش -

آموزان با در حیات مدرسه بودند و با بالا ببار بیرون از مدرسه جمع شده بودند و با چهره های بشاش با یکدیگر بحث و جدل میکردند. سبشی‌ها، انجمن اسلامی‌ها، مستند میگز -

... هر کدام فوطی رنگی بدست از این کلاس به آن کلاس، از این دیوار به آن دیوار، از این شمار به آن شمار در حال تود دیو بودند و با کجی خاصی مستاصل بودند. از اینک

چکار با بدیکند. وقتی در مدرسه باز شد و دانش آموزان به مدرسه وارد شدند تا مسی دیوارهای کلاس، نیمکتها، تخته‌سپاهها و حتی آینه دستشویی‌ها را پرا زخمسار سازمان دیدند. خبر به سر معتمد رسید. مدبر دبیرستان دانش آموزان را در حیات جمع کرده به سخن پرانگی میگردانید. سپس از صغری و کهری چیدنها می‌گوید که می‌کند اینکا زها را می‌کنند، از کسائی که بیاد دران ما را (منظورش سپاهیان و ارتشیان ضد خلقی) در کردستان می‌کشند کمترین نیستند.

وای روزی که به آنها دسترس پیدا کنیم این صحبتها دانش آموزان را خوشحال - میگرد و آنگاه خوشحالی خود را بروز میدادند دانش آموزی میگفت "با بای والله، اینها دیکه چه اعموبه‌هایی هستند، شو بگو از کدام سواخ سینه داخل شدند. یعنی از این کنترل بیشتر هم مکان دارد. من که فکر نمی‌کنم. درگیری می‌تد مدهروا اما راست می‌گوید. اینها از شما رهبران انقلابی هستند که جان برکف در کردستان با رژیم می‌کنند.

مدیر مدرسه پس از اتمام سخنان خود، به مدت ۲ ساعت کلاس را جهت پاک کردن شمار - ها تعطیل کرد. در مدرسه راه‌نمایی نیز وضع بهتر از این نبود. مسئولان این مدرسه که زود تیر متوجه عهده بودند سعی کردند با ما "زورود دانش آموزان به مدرسه جلوگیری کنند،

مطلبوعات مزدور منطقه، در خدمت سیاست های ضد خلقی رژیم به نقل از خروش شماره ۱۰ - نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

رژیم جمهوری اسلامی که خود را در آستانه سقوط می‌بیند و سیاستهای ضد خلقی، ارتجاعی و وحشیانه اش روی رادرمیان مطبوعات انقلابی، نیروهای مترقی و افکار عمومی منزوی و رسوا ساخته است سعی دارد با ما تورهایی دیپلوما تیک و تبلیغاتی در صحنه سیاست خارجی، نیز پوشی بر روی خیانتها و جنایاتهای خود را داخل بگذارد. نیرو - های انقلابی در سطح جهان روز بروز به ما هیت این ما تورهایی می‌برند و با دادن تصویر دقیق تری از ما هیت رژیم جمهوری اسلامی تبلیغات ضد انقلابی وی را غرضی می‌کنند.

رژیم‌های پوئالی برای اختفای سیاست های ضد خلقی خویش با اجبر کردن برخی از روزنامه‌ها، مجلات و افراد سرسپرده در دنیا سعی می‌کنند تبلیغاتی را به نفع خویش را می‌بزنند. در رژیم منصور گفشتی نیز بیادری از روزنامه‌های دست راستی اروپا و آمریکا با دریافت میلیون ها تومان پول سخن از پیشرفت‌های ایران در زمان شاه می‌زدند.

اخیرا نیز رژیم جمهوری اسلامی به این حربه قدیمی، از کار افتاده و روسا روی آورده است ولی جنایت دیگر رنگی ندارد. به گفته گلیمائی مسئول تبلیغات اسلامی خارج از کشور در شورای هماهنگی تبلیغات "چهل میلیون تومان اغتشاس دارد به تبلیغات اسلامی خارج از کشور" (مجله - پیام انقلاب شماره ۴۴، ارگان سپاه - پاسداران سرمایه) - هم چنین شاهرا غی نماینده مجلس - فرما بشی "شورای اسلامی که به تازه گسی از فرهند و با کستان بازگشته است توضیح میدهد:



مطلبوعات مزدور منطقه، در خدمت سیاست های ضد خلقی رژیم به نقل از خروش شماره ۱۰ - نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

رژیم جمهوری اسلامی که خود را در آستانه سقوط می‌بیند و سیاستهای ضد خلقی، ارتجاعی و وحشیانه اش روی رادرمیان مطبوعات انقلابی، نیروهای مترقی و افکار عمومی منزوی و رسوا ساخته است سعی دارد با ما تورهایی دیپلوما تیک و تبلیغاتی در صحنه سیاست خارجی، نیز پوشی بر روی خیانتها و جنایاتهای خود را داخل بگذارد. نیرو - های انقلابی در سطح جهان روز بروز به ما هیت این ما تورهایی می‌برند و با دادن تصویر دقیق تری از ما هیت رژیم جمهوری اسلامی تبلیغات ضد انقلابی وی را غرضی می‌کنند.

رژیم‌های پوئالی برای اختفای سیاست های ضد خلقی خویش با اجبر کردن برخی از روزنامه‌ها، مجلات و افراد سرسپرده در دنیا سعی می‌کنند تبلیغاتی را به نفع خویش را می‌بزنند. در رژیم منصور گفشتی نیز بیادری از روزنامه‌های دست راستی اروپا و آمریکا با دریافت میلیون ها تومان پول سخن از پیشرفت‌های ایران در زمان شاه می‌زدند.

اخیرا نیز رژیم جمهوری اسلامی به این حربه قدیمی، از کار افتاده و روسا روی آورده است ولی جنایت دیگر رنگی ندارد. به گفته گلیمائی مسئول تبلیغات اسلامی خارج از کشور در شورای هماهنگی تبلیغات "چهل میلیون تومان اغتشاس دارد به تبلیغات اسلامی خارج از کشور" (مجله - پیام انقلاب شماره ۴۴، ارگان سپاه - پاسداران سرمایه) - هم چنین شاهرا غی نماینده مجلس - فرما بشی "شورای اسلامی که به تازه گسی از فرهند و با کستان بازگشته است توضیح میدهد:

تهران

مدرسه را هنگامی استادمطهری واقع در شیرک زا هدی در روز ۶۰/۹/۲۲ به سبب مصلحتین و محصلین سال سوم پرسودیده - شدن مزی سرزاع در میگردید که محصلین با هم متحد شده و کتک مفصلی به معلم امور تربیتی امیر زند و میرا هم که قصد داشت داشته گنگ میخورد.

مدرسه سوسن - ۶۰/۹/۲۰ در این مدرسه که یک مدرسه آسوری است حدود بیست روز قبل بنین افراد حزب اللهی و آسوری - درگیری رخ میدهد چریبان از این قرار بود، عتقا مرحوب اللهی که برای ایجاد رعب و وحشت در مدرسه ثبت نام کرده بودند به عکس مسیح در کلاس اعتراض میکنند و پس از چند دقیقه کشمکش با لافز قلاب عکس مسیح را بگاز مین کوبیده و شیشه آنرا خرد میکنند، در مقابل دانش آموزان آسوری عکس بزرگ خمینی را پاشین کشیده پاره پاره میکنند، در درگیریهای لفظی حزب اللهی ها با آسوری ها عیبگویند شما مثل خوک نجس هستید و آنها در مقابل میگویند ... اگر ما نجس هستیم چرا آدید در این مدرسه ثبت نام کرده اید و آنها میگویند ما دلمون نمیخواست اینجا نام نویسی کنیم ولی مجبور شدیم، در این جریان چند دختر آسوری و حزب اللهی زخمی میشوند و با لافزه پارسا داران به مدرسه آمده و مدبر آسوری را با خود به سیاه برونه و از او تشنه میگیرند جلوی دختران آسوری را بگیرند و دو هفته حال از انجمن اسلامی حمایت کند در غیر این صورت اخراج خواهد شد.

هنرستان آزادی

در این هنرستان به علت اتحاد هنسر - جوان ، جو فعالی بوجود آمده است به طوری که هنوز هم در راهروهای هنرستان اعلامیه های سازمان چریکهای فدائی - خلق ایران و مجاهدین و دیگر گروهها بسیار دیده میشود و انجمن اسلامی و مدبر قدرت کشدن آنها را ندارند، از طرف آموزش و پرورش با رها هنر جوان - را تهدید کرده اند ولی فعالیت سیاسی - همچنان ادامه دارد، هواداران اکثریت حزب بوده در میان هنر جوان جایی - ندارند و همه آنها را خاش و دشمن میدانند عده فعالیت میا رزائی هنر جوان این هنرستان با انجمن اسلامی است، مدبر به اعضای انجمن تاقی برای فعالیت داده و اعضای انجمن در آن تاقی جلسه میگذارند و حتی رنگهای شفریح را هم در این اتاق میگذارند چرا که در بین سایر هنر جوانان جا بگای ندارند، هنر جوان اخیرا از مدبر تاقی اتا تاقی برای تمرکز فعالیت خود داشته اند که مورد موافقت قرار نگرفته است ، لازمست هنر جوان این هنرستان شکل دیگری تکی بوجود آورند - مبارزاتشان شکل مشخص به خود بگیرد.

بندرانگلی - ۶۰/۹/۱۱ : اخیرا " بهفتا مهای به آموزش و پرورش رسیده که - مصلحتین به هیچ وجه حق ندارند در کلاس یک کلمه غیر از آنچه که در کتاب نوشته شده برای دانش آموزان بگویند ، به همین منظور مرجاتی رئیس آموزش متوسطه - انزلی ، مصلحتین را هنگامی را در آموزش و پرورش جمع میکنند تا مسئله را برایشان توضیح دهد ، او مصلحتین را تهدید میکند که در صورت صحبت کردن غیر از مسائل درس و حتی با سخا دادن به سوال دانش آموزان که مربوط به درس باشد تا به نحوی در کتاب

اخبار مدارس

با شد ، بنیاد پدیا سخ بدهند ، وی در ادامه صحبتش میگوید اگر مسائل در کتاب بخورند شده که منا بر منافع انقلاب باشد آنها هم گفته شود! پس از این سخنان اعتراض مصلحتین بلند میشود و هر یک از مصلحتین چیزی میگویند ، مرجاتی وقتی میبیند نتیجه ای نمیگردد میگوید : بهر حال ما گفتیم ، هر کس هم چنین ننگند جا سوسان ما گزاش خواهد شد!

متکین شهر - ۶۰/۹/۱۵ : در اثر پیگیری و مبارزه ، دانش آموزان و خانواده های آنها ، عده زیادی از دانش آموزان حشکین شهر به مدارسی با زکشتند ، ابتدا یکی از روجا نیون بنام حیدری که از همانست هستی شما بنده ، این شهردر مجلس شورای پرورش را است در نما زجمع گفت دانش - آموزان اخراجی میشوند تهدید میکنند و به سر کلاس ها بشارت با زگردند لیکن پس از او مقدم رئیس اداره آموزش و پرورش - بهت میگردن رفت و عنوان نمود : " به هیچ وجه اینجا انجام نمیدهیم ، قاطعیت یعنی این اولی شما بتا : مجبور به باز - پس گرفتن قاطعیت خود شده و تا گزیر شد برای عده ای از دانش آموزان اولیسا آنها برای گرفتن تهدید و پیروفتشان ، به مدرسه دعوتنا ، به فرستد ، ولی دعوض - مقدم در جمع اولیسا و دانش آموزان از آنها خواست که با او همکاری کنند ولی یکی از دانش آموزان پاسخ داد : " ما برای درس خواندن آمدهیم ، نه برای جاسوسی و یکی از اولیسا نیز اظهار داشت : " من به جام را گذاشته ام درس بخوانند ، آنکه برای او جاسوسی کند ، سر انجام " مقدم " تا گزیر - میشود حرفش را پس بگیرد و فقط به گرفتن تهدید اکتفا کند .

مجدد سلیمان - دبیرستان راهنما شای خسروی (شبانه دختران) : در تاریخ ۶۰/۹/۱۸ / شمارهای سازمان که روی برجسب نوشته شده بود بردسوار ، بخوری و دستشویی به چشم میخورد ، مسئولین مدرسه به همراه مزدوران انجمن اسلامی از آنها عده ای بن شمارها بوحشت افتاده به آموزش و پرورش اطلاع میدهند ، متما قبا این اطلاع رئیس آموزش و پرورش که فرمودند دوری بنام "تحزیل زاده" میباش ، دستور میدهد بخوری را - بسته و سه عده فلاکت در محیط مدرسه برای خوردن آب بگذارند ، وی میخواهد بدین وسیله جلوی بخش اعلامیه را بگیرد ، پس از آن مدبر مدرسه به یک کلاسها سرکشی کرده و دانش آموزان را تهدید به اخراج کرده و خواهان معرفی افراد دشمن نویسن است اما هیچ نتیجه ای عایدش نمی شود .

صحنه - مدرسه راهنما شای دخترانه تیموریان : مزدوران و جاسوسان جیره - خوار رژیم سوسی دارند جو اختطای را بر مدرسه جا کم کنند ، به همین جهت عده ای را اجیر کرده و از آنها خواسته اند چهار رجنسی حرکات دانش آموزان را زیر نظر داشته باشند ، اما علیرغم این تلاشهای مذبحوات نیروهای انقلابی و عمدتا " هواداران - سازمان با بخش اعلامیه و نوشتن شعار

مترجمین را گنج و میبویت کرده اند ، چندی پیش یکی از دانش آموزان را به جرم شمار نویسی دستگیر کردند اما همچنان دانش - آموزان شمارهای سازمان را روی دیوار راهرو دستشویی ها می نویسند ، مزدوران رژیم که از ادامه حرکت انقلابی دانش - آموزان به وحشت افتاده اند دست خط همه دانش آموزان را گرفته و دو نفر را متهم به نوشتن شمارها میکنند ، اما مصلحتین شمارها توسط دانش آموزان انقلابی که سرشار از عشق و ایمان به توده ها هستند نوشته میشود ، درود به رفقای دانش آموز که با سرانگشتان پولادینشان شمارهای خونین سازمان را به میان توده ها می برند .

سربندر - در تاریخ ۶۰/۹/۶ در یکی از دبیرستانهای پسرانه ، یکی از دانش آموزان انقلابی به جرم خواندن انشاء - دستگیر میشود ، چریبان از اینتقرا دانسته : " معلم انشاء از دانش آموزان میخواهد که موضوع انشاء را به دلخواه انتخاب کنند یکی از دانش آموزان که چندی پیش پسر یکی از همایگان شان را به جرم هواداری از مجاهدین ، اعدام کرده بودند ، موضوع انشاء خود را به شرح زندگی مبارزه و آرمانهای این مجاهد خلق اختصاص میدهد ، وی قبل از خواندن انشاء میگوید ، من - میدانم که پس از خواندن این انشاء - دستگیر و چه بسا اعدام شوم ولی میخواهم حقایق را بگویم و حرفم را بزنم ، وی انشاء خود را با درود به تمامی شهدای خلق شروع کرد و سپس به شرح زندگی مجاهد (یدالله روشن) میپردازد و از زندگی و بجرم دفاع از زحمتکشان اعدام شده ، در پایان ، شمار مرگ بر خمینی جلاد ، درود بر مجاهدین خلق آنرا خاتمه میدهد ، در تمام مدت محکمشها پیش تحت تا شیر قرا گرفته - شمارها را تکرار می کردند ، در این خواندن انشاء ، یکی از جاسوسان انجمن اسلامی از کلاس بیرون رفته و به دفتر سپاه کسبه روبروی مدرسه است خبر میدهد ، پس از چند لحظه دو پارسا مدبر به ۳ به کلاس آمده اند ، دانش آموزان انقلابی را دستگیر میکنند آنها از معلم میخواهند که ورقه ای را آغوا کند ، وی از اینکار خودداری کرده ، از پارسا داران میخواهد برای حفظ احترام - کلاس از بردن دانش آموز در ساعت درس خودداری کنند ، آنها و آنها تاقی - سخ میدهند : اتفاقا " میخواهم او را جلوی ما برداشتم ، آموزان به رژیم تادرس - عیشتی برای ما برین شود ، ما این - مزدوران رژیم کور خوانده اند ، دبیرگهای کداتش خشم توده ها انتقام این گلهای خورسته را با زستاندوساط رژیم خونخوار خمینی را برچینند .

مجدد سلیمان - دبیرستان رشاد : در حدودا و خرابا انشاء بهمنی اولین هفته با زدن ، مدارس در این منطقه ، برای اولین بار بر روی دیوار دستشویی شمارها مضمون " با زکشت دانش آموزان اخراجی و افشای با هیت ضد خلقی رژیم " نوشته شده بود ، جاسوسان حزب اللهی که هر روز بهمن از تعطیل مدرسه دیوارها را با زری می کنند شمارها پاک کرده بودند ، ناظم مدرسه نیز روز بعد در صف دانش آموزان را تهدید به اخراج کرده و توضیح داد ، که برای این اخراج - شما کار می خواهی شد و این شمار - نویسی هم نمی توانند آنها را برگردانند .

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



# گرامی باد خاطره فدائی شهید

## رفیق مهدی خانزاده

\* توضیح : از آنجا که بیوگرافی رفیق - مندرج در کار ۱۴۰ بطور کامل پرورس - میازاتی رفیق را منعکس نمیگردد - مجدداً بیوگرافی کامل رفیق را بجای میبرسانیم .

رفیق مهدی در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده زحمتکش متولد شد. تحصیلات ابتدائی و دوره اول متوسطه را در زاهدان گذراند و سپس به تهران رفت. در تهران وی به همراه فدائی شهید صادق نظیبری، با دانشجویان انقلابی آشنا گشت و از طریق شرکت در جلسات آنان، در فعالیت های پر علیه رژیم شاه شرکت نمود و بتدریج با اپدثولوژی مارکسیسم - لنینیسم آشنا گشت.

پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به دانشگاه بلوچستان راه یافت و از همان ابتدای ورود فعالیت های انقلابی خود را در دانشگاه در کنار سایر رفقا آغاز نمود و اولین تشکل های دانشجویی را پدید آورد. از اینرو تمام دانشجویان و دیگر کسانی که در چند سال اخیر در سیستان و بلوچستان به فعالیت های سیاسی - انقلابی روی آورند، فعالیت های خستگی ناپذیر و پیرو چهره مصمم وی را بخوبی بیخاطر دارند.

رفیق مهدی در پیورش ارتجاع به دانشگاه دستگیر و شدت زخمی شد. اما



توانست که از جنگ مزدوران جمهوری اسلامی بگریزد. در مقطع اشعاب فعالانه از منی انقلابی سازمان در برابر - اپورتونیسم به دفاع برخاست و به کلری خود در تشکیلات با منی استار، هواداران زمان چریکهای فدائی خلق ایران در سیستان و بلوچستان ادامه داد. بکبار در زمستان ۱۳۵۹ توسط پاسداران به همراه تمام اعضای خانواده اش دستگیر شد و بمدت چهل روز در زندان ماند اما با بهشتیاری از زندان خلاصی یافت. پس از آن برای آنکه بتواند را اخترو با انرژی بیشتری به کار انقلابی بپردازد، به تهران رفته و در تشکیلات تهران سازمان مشغول به کار گردید. هم- زمان با پیورش گسترده ارتجاع به مردم و سازمانهای انقلابی، رفیق مهدی بر اثر یک اشتباه دستگیر شد و پس از دو ماه بدون آنکه خانواده اش توانسته باشند کوچکترین خبری از وی بدست آورند، در تاریخ ۱۹ - مهرماه ۱۳۶۰ در اوین در مقابل جوخه اعدام قتل و کشتن و شهادت رسید.

یادش گرامی باد

# گرامی باد خاطره فدائی شهید

## رفیق ابوالهیم شریفی

فدا کاری، ایثار و از جان گذشتگی اش برای رفقای که از نزدیک می شناختندش وصف ناشدنی است.

رفیق علیرغم کمی سن با توجه به او ماف عدیده اش بعنوان مسئول یکی از بخشهای تشکیلات و نیز عضو کمیته سیاسی تشکیلات هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به بهترین شکل به انجام وظایف انقلابی خویش مشغول بود رفیق پس از دستگیری و بعد از فرار دادن یکی از رفقا از زندان بوشهر و نیز دفاع اپدثولوژیک و تحمل شکنجه های وحشیانه مزدوران رژیم به مدت حدود پینجاه روز در بگاه ۱۳ آبان در خالیکه بزنگان از - معالجه وی تا امید گردیده بودند بوسیله شلیک گلوله یکی از جلادان زندان بوشهر باری دیگر از زمان زحمتکشان را با خون خویش سرخی تازه ای بخشید. شدت شکنجه ها آنچنان بود که به گواهی زندانیان چهره وی به هیچوجه شناخته نمی شده و در این گونه مواقع رفیق لبخند زبان خود را معرفی نمیگردد است. رفیق همواره آرزو میکرد که میر - استخوانها بش مردمائی آزاده و سفاک دتمند و سپهرو زکا مبردا رند. این آرزو، میثاق - تمامی فرزندان راستین خلق است که دمی از مبارزه بر علیه امپریالیسم و پاپگناه داغلیش دست بر نمی دارند.

وصیت نامه رفیق

" پدر عزیز ما در مهربا نتم سلام، در آخرین لحظات زندگی خویش با شما سخن میگویم و لحظاتی دیگر به جوخه اعدام میروم. از اینک آفتاب عمرم در نیمروز غروب میکند هیچ نای راحت نیستم. چرا که با افتخار و زندگی کردن بهتر از این تنگ زندگی کردن است. حتی اگر آن زندگی طولانی باشد. بهرحال از اینک نتوانستم برایتان فرزند لایقی باشم متاسفم. آرزو من همانا آرزوی مردم بود و شما روزی آنرا خواهید فهمید. تمامی خانواده و دوستان خوسم که در این مدت بر این زحمت کشیدند و حداقل از دستگیری من ناراحت شدند بسیار سپاس - گزارم ولی از کسانیکه با تنگ زندگی کردن را ترجیح میدهند سرافتخار ایستادن

بسیار متمنفروم. خیلی راحت میتوانستم با یک مصالحه تلویزیونی و کارهای دیگر جان خویش را نجات بخشم ولی نتوانستم. زیستن آرزائی غاشین و سازشکاران نباشد. دست تمامی دوستانم و پارانم را میمانم. میقتارم و آرزوی خوشبختی برایشان میکنم. از تمام رفقا و دوستانم میخواهم که راه مرا که همانا راه مردم بود بر برای توده ها توضیح دهند تا شکه کسایاقت رفتن در راه توده ها را داشته باشم.

فرزند شما، ابوالهیم شریفی  
یادش گرامی و راهش پررهرو بسازد  
= به نقل از خروش شماره ۱۱ =

# نامه گروهی از خانواده های...

بقیه از صفحه ۱

آری هموطنان، مدت ها ست خطه آذربایجان نیز همچون سایر مناطق ایران مورد هجوم ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته، روزی نیست که بدستور آقای خمینی و موسوی جلال، تنی چند از بهترین فرزندان دلیر خلق به جوخه اعدام سپرده نگردند. حتی از زندانی کردن زنان تازه زایمان یافته، نوزادان ۳-۲ ماهه زنان حامله، نیز با بی بخود را نمی دهند.

خلق شرافتمند آذربایجان!

خطر مرگ جان نوزادان معصوم ۳-۲ ماهه را در زندانهای جمهوری اسلامی (تبریز) تهدید می نماید. بنا به حکم شرافت انسانی هادی اعتراضی خود را سرتراشید. به خاطر نجات جان تمامی زندانیان سیاسی پیروزه نوزادان معصوم و بی گناه، صدای حق طلبانه خود را بگوش مردم آگاه جهان و سازمانهای بین المللی برسانیم. از آنها بخواهیم تا از زندانهای قرون وسطائی جمهوری اسلامی بازید کنند و با

# اخبار شهرستانها

بقیه از صفحه ۱۷  
اما موفق شدند و حتی نتوانستند از ورود سرکشی دانش آموزان به کلاسها جلوگیری نمایند. دانش آموزان از هر طرف هجوم می آوردند و سعی میکردند شمارها را بخواهند. یکی از هواداران "اکثریت"

چشم خود بینند چگونه بیما ریهای مسری و فلج شدن، جان نوزادان در بند را بخطر انداخته و اکثر "تیز مبتلا به" مراض گشته و در خطر مرگ قرار گرفته اند.

هموطنان مبارز و شرافتمند! از شما میخواهیم از مسئولان و دست اندرکاران جمهوری اسلامی سؤال نمائید:

آیا نوزادان ۳-۲ ماهه در زندانهای (تبریز) شما وجود دارند یا نه؟  
آیا بیماری در زندانهای (تبریز) - شیوع پیدا کرده یا نه؟  
و دهها آبی دیگر ....

با این حال بگذارید نعره سردهند، "در زندانهای جمهوری اسلامی هرگونه اصول و اخلاق اسلامی رعایت میشود و بنا اصلاً فردی گناهی در زندانهای ما وجود ندارد!" آقای خمینی نیز بگوید "شکجه تا به بعد انقلاب است". نه آقای خمینی توهم اطلاع داری، حتی نوزادان ۳-۲ ماهه را نیز در زندان سیر کرده اند. در خاتمه بیان کسانی که از همه جناحیات رژیم اطلاع دارند و بهر عنوان بکوت را بیا طرز اوصفتان پیشه کرده اند، میگوئیم شما در هرلسان و مسلکی که باشید شریک جرم جناحیات رژیم جمهوری اسلامی بوده وهستید.

نیز حضور داشت چند دانش آموز که او را می شناختند پیش او رفته و سؤال کردند "معنی پیش سوی تشکیل مجلس مؤسسان ... چیست" او جواب داد "هیجی، شماری بوج است" سعی میکرد خشم و التهاب خود را پنهان دارد. آری رفقای رزمنده، مادر غمقان آمیزترین شرایط رژیم و تمامی نوکران آنرا انگشت به دهان -

گذاشتند. این حرکتها همزمان شد با بخش اعلامیه و چسباندن تراکتهای فراوانی در سطح شهر از جانب سرفرقا و باعث شد که در سطح کل شهر جنب و جوشی بسجی ها و مزدوران رژیم جمع آوری و پاره - کردن اعلامیه و تراکتها - کاملاً به چشم میخورد. آنها ضامن "سعی میکردند، جلوی هرگونه بحثی را بگیرند.

### ★ گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق فریبا شفیعی

فریبا شفیعی کیلاکجانی در سال ۱۳۲۳ در مرا سردر خانوادگی کارگری بدنیا آمد وی از همان اوان کودکی در بین خلقش زندگی کرده بود و به دردهای مردمش آشنا شده بود. او برای خانواده اش مظهر ایثار و فداکاری بود. وی فعالیت انقلابی خود را از زمانی که هنوز خیلی نوجوان بود، یعنی از سال اول راهنمایی در مدرسه راهنمایی هفتمش شروع کرد. فریبا پیک انقلاب را بسین بچه ها پخش میکرد. و با رها از طرف اولیا، مدرسه تهدید بدهی اخراج شد. و زمانی که شعله های انقلاب فرزان شهر فریبا جز بچه ها نبوده با شور و عوق فراوان در خطاهای خدمتگاه شرکت میکرد و بعد از آنکه عمقا بدش قوام پیدا کرد در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مبارزه خود برضد امپریالیسم و با پیکاه دادا علیش ارتجاع داخلی شدت بخشید. زمانی که در سازمان انشعاب شد حرف فریبا این بود که: افسوس که کمی دیر شده است و با پورتو نیستنها فریبا ای بس مهلک به جنبش ایران وارد گردند و ولی ما همی راهروفت از آب بگیری تازه است. و با پستی این سازشکاران و این خیانتکاران را از صفوفمان طرد میگردیم چون لازمه مبارزه برضد سرمایه داری استحکام درون خلق است. فریبا در روز ۲۲ شهریور هنگامیکه از سرکار ریخانه برمیگشت حوالی خیابان معدق دستگیر شد و خبر اعدای موی در روز دوشنبه ۲۳ مهر در روزی نامه های رژیم چاپ شد و دژ خیمان گفتند که رفیق را در میدان فوزیه با دوات رنجک گرفته اند که در حال پرتاب بوده. ما در فریبا برای جستجوی فرزندان به کمیته ها و زندان اوین سرود به وی میگویند بیروز و روز ۱۳ مهریبا یعنی روز اعدام فریبا.

زمانی که ما در فریبا برای شناسایی جسد گرفته بود، دژ خیمان تمام بدن فریبا را به وی نشان نداده بودند. فقط صورت او را به ما در نشان دادند. ما در فریبا می گفت که: جسد فرزند سوگرفته بود و این نشان ندهنده آنست که خیلی زود تر از آنکه خبر اعدام پخش شود وی را اعدام کرده بودند. و به شهادت رسانند. جنایتکاران حتی اجازه دفن به خانواده شهید ندادند و در دانه پیکر رفیق قهرمان را بخاک سپردند.

پنهان کردن جسد فریبا نشان دهنده وحشت رژیم از عکس العمل مردم در برابر بدن شکنجه شده رفیق مبارز زمان است. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

★ گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق مهدی خانزاده  
صفحه ۱۹

### ★ گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق رحمت طالب نژاد



رفیق رحمت در سال ۱۳۲۲ در نیک خانواده کارگری در منطقه گونی باقی قائم شهر متولد گشت. رفیق به علت فقر اتمتادی از بدو زندگی ستم استثمار - گران راه عینه لمس می نمود. و از این رو بود که از همان زمان کودکی نسبت به سرما به داران کینه ای عمیق در وجودش شعله ور گشت تا اینکه رفیق کم کم با آثار مدبره رکی آشنا گشت. بدین طریق بود که رفیق بی پردیج از طریق یک مبارزه سخت طبقاتی امکان زهائی از ستم استثمارگران میسر نیست. رفیق در عرصه قیام کم و بیش با نظرات سازمان آشنا گشت و فعلا لانه در مبارزات توده های زخمکن در آستانه قیام خلق شرکت نمود. بعد از قیام بعنوان دانش آموز پیشگام فعالیت انقلابی خود ادامه داد. در این مدت نیز یکبار توسط مزدوران رژیم دستگیر و زندانی گشت پس از آزادی دوباره به فعالیت انقلابی خود ادامه داد.

در مقطع انشعاب رفیق هنگامیکه جناح انقلابی سازمان سر سخت و فعلا لانه به افشای مواضع سازشکارانه خائنین - اکثریت کمیته مرکزی پرداخت. رفیق میگفت اینان (اکثریتی ها) دشمنان پنهان طبقه کارگرند و از این رو خطرناکتر از بورژوازی میباشند. رفیق با پشتکاری انقلابی و عزمی راسخ راه سرخ فدائیان را میپیمود و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی نمود. تا اینکه بوسیله جلادان رژیم خمینی در نیمه دوم شهریور ماه ۶۰ رفیق دستگیر و پس از تحمل شکنجه های وحشیانه به همراه ۴ تن از انقلابیون - مهاجدرتاریخ ۶۰/۹/۲ بدست دژ خیمان خمینی جلا، به جوخه های اعدام سپرده شد. یادش گرامی و راهش پر خروش

قطعه شعری که توسط یکی از رفقای هموزم رفیق رحمت سروده شده:

در سینه سوخ تو  
آتش بود انفجار  
در موج موج نگاه تو پیروزی خلق  
و سازمان  
استقلال - کار - مسکن - آزادی  
ای بخون شیده از گلوله های خم  
ای خاطرات شاعر کوجه های شهر  
بگو پیام خویش را  
به ما بران منتظر برای کار  
شاگرد خوب "حق بیان"  
رفیق شور مدرسه  
رفیق تنگدستی و کار  
رفیق رزم سازمان  
رفیق رنج کارگر  
بگو پیام خویش را  
در آستانه اعتراض انقلاب

رفیقان مرگ تو را باور نمیکنند  
چرا که دشمن  
به مرگ تو باور نکرده است  
مرگ تو صفوف خم را  
از هم شکافت  
و دیده نده مستگران تو  
تفا دشمن خلق را  
با شهادت ای رفیق

### ★ گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق ابراهیم شریفی



خاکستر تو را با دسهرکهان هر جا که برسد  
مردی ز خاک رویشد

فدائی خلق "رفیق شهید ابراهیم شریفی در سال ۱۳۴۱ در شهر در خانوادگی جاشویی زحمتکش بدنیا آمد و با شرافت و قور زندگی فلاکت را همسهریان زحمتکش و مبارز - تجربه مبارزاتی اندوخت و از سال ۱۳۵۷ همراه با اوچ گیری قیام دلیرانه مردم و ظلمان، دفتری نوین در مبارزات و تجربیات خویش باز نمود و در سنگر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظایف انقلابی خویش را مستحکم تر و بر بار تر آغاز نمود. آنان که رفیق را از نزدیک می شناختند بخوبی آگاهند که وی حتی لحظه ای از کار و فعالیت بیامون و وظایف خطیر سازمانی غافل نبود و بارها اتفاق می افتاد که از شدت خستگی ناشی از تلاش شانه روزی اش در مواقع بخت و صحبت - بیامون پیشرو کارشکنکات - به خواب میرفت. رفیق آنچنان زندگی ساده و بی آلابش داشت که همواره بعنوان سبیلی مضم فرار راه دیگر رفتاری میگردید.

رفیق به نسبت عمر کوتاه خویش چندین بار برای مکاسات زمانی که در اختیار داشت مطالعه و تجربه اندوخته بود. روحیه - بقیه در صفحه ۱۹